

Baladieh's (Municipality) Performance during the First Pahlavi period: A Case Study of Shiraz

Mahdi Khodami

Ph.D. Student of Iran history, University of Isfahan, Iran, mahdikhodami5410@gmail.com

Morteza Nuraei *

Professor of History, University of Isfahan, Iran, m.nouraei@ltr.ui.ac.ir

Asghar Frooghi abri

Associate Professor of History, University of Isfahan, Iran, foroughi.history@gmail.com

Abstract

Baladieh is a reflection of local people's hopes and demands. The formation of Baladieh in Iran dates back to the pre-Constitution era and the reign of Naser al-Din Shah. Nevertheless, formal establishment of the Baladieh of Shiraz is recorded in 1286 AH/ 1907 AD. The Baladieh of Shiraz was no more than an empty title during the Qajar era which had not achieved anything beyond partial cleaning and lighting of the city. Shiraz was a traditional city with narrow alleyways which were pitch-dark at night. During the Pahlavi I period, Baladieh underwent certain improvements and a few steps were taken forward. This paper, based on an analytical approach and relying on first-class sources such as the press and unpublished documents of the National Organization of the Fars Foundation, studies the effects of changes in the Baladieh of Shiraz. The central question of the study is: what were the most important obstacles and problems of urban services in Shiraz? Three categorizes of problems were identified in this study. The main hypothesis throughout the research can be summarized as: financial and local factors were hindering the development of urban services in Shiraz. The findings of this research indicate that, despite the gradual improvement in Baladiah's performance, the lack of financial resources was the most important problem of Baladieh of Shiraz during the first Pahlavi era.

Keywords: Baladieh of Shiraz, Baladieh Code of Conduct, Cleaning and Lighting, Municipality, Municipality Problems

* Corresponding author

فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی- پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و چهارم، دوره جدید، سال دهم
شماره سوم (پیاپی ۳۹)، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱-۲۳
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۸/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۱۹

بررسی عملکرد بلدیة در دورۀ پهلوی اول، نمونه پژوهی شیراز

مهدی خدای - مرتضی نورائی** - اصغر فروغی ابری***

چکیده

بلدیة آیینۀ تمام‌نمای آمال و خواست‌های محلی به شمار می‌رفت. سابقۀ شکل‌گیری بلدیة در ایران به دوران پیش از مشروطیت و عصر ناصری بازمی‌گشت. با این حال، شکل‌گیری بلدیۀ شیراز به صورت رسمی به سال ۱۲۸۶ش/۱۹۰۷م بازمی‌گردد. در دوران قاجار بلدیة شیراز اسمی بی‌مسما بود که فراتر از تنویر و تنظیم، آن هم به صورت ناقص، کاری انجام نداد. شیراز شهری سنتی بود که کوچه‌هایی تنگ و باریک داشت و در شب نیز اثری از روشنایی در آنها نبود. در دوران پهلوی اول، بلدیة‌ها دچار تحولاتی شدند و گام‌هایی روبه‌جلو برداشتند. این مقاله با رویکرد تحلیلی و با تکیه‌بر منابع دسته اول همچون مطبوعات و اسناد انتشارنیافته سازمان اسناد ملی واحد فارس، تأثیر تحولات صورت‌گرفته در بلدیة شیراز را بررسی کرده است. پرسش اصلی پژوهش این است که مهم‌ترین مشکلات و موانع خدمات شهری در شیراز چه بود؟ در این پژوهش، سه دسته مشکلات شناسایی شده است. فرضیة اصلی در خط سیر پژوهش به این صورت در گزارۀ ذیل خلاصه می‌شود: مؤلفه‌های امتناع گسترش خدمات شهری بلدیة شیراز به عناصر محلی و مالی مربوط بود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که با وجود بهبود تدریجی در عملکرد بلدیة، کمبود منابع مالی مهم‌ترین مشکل بلدیة شیراز در دوران پهلوی اول بود.

واژه‌های کلیدی: بلدیة شیراز، نظامنامه بلدیة، تنویر و تنظیم، شهرداری، مشکلات شهرداری

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران، دانشگاه اصفهان، ایران mahdikhodami5410@gmail.com

** استاد تاریخ، دانشگاه اصفهان، ایران (نویسنده مسؤول) m.nouraei@ltr.ui.ac.ir

*** دانشیار تاریخ، دانشگاه اصفهان، ایران foroughi.history@gmail.com

مقدمه

کرده است که مهم‌ترین آن نبود منابع کافی و زنده‌نبودن اشخاص آگاه در زمینه پژوهش است؛ چنان‌که در ارتباط با سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۲۰/۱۳۲۹ تا ۱۹۴۱م، کتاب هیچ‌گونه اطلاعاتی ندارد. کتاب اکبر رئیسی به نام گذری بر روند تحولات و تشکیلات شهرداری شیراز از احتساییه تاکنون، درباره تاریخچه بلدییه در دوره پهلوی اول است و این کتاب بیش از کتاب خالصی مطلبی ارائه نمی‌کند. به جز این دو کتاب، کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری درباره تاریخ شیراز نگاشته شده است؛ برای نمونه باید به تاریخ بافت قدیمی شیراز نوشته کرامت‌الله افسر، شیراز در گذشته و حال تألیف حسن امداد، شیراز یادگار گذشتگان اثر حمید خرمایی، تاریخ شیراز اثر حسن خوب‌نظر، شیراز شهر جاویدان نوشته علی سامی و تعداد درخور توجهی کتاب و مقاله دیگر اشاره کرد. چنان‌که از نام برخی از این کتاب‌ها نیز استنباط می‌شود، بیشتر این کتاب‌ها و مقاله‌ها را باید در حیطه موضوعی بیان و شرح آثار تاریخی و مفاخر شهر جای داد. این آثار درباره موضوع این پژوهش مطلبی بیش از کتاب محمدرضا خالصی ارائه نمی‌کنند. در راستای جبران این نقیصه، این مقاله با تکیه بر اسناد و منابع آرشیوی نوشته شده است.

بلدییه از شکل‌گیری تا دوران پهلوی اول

انجام خدماتی که امروزه شهرداری‌ها عهده‌دار آن هستند، در طول تاریخ ایران بی‌سابقه نیست. دست‌کم می‌دانیم که در سال‌های پس از ظهور اسلام، دیوان محاسب تاحدی وظایف کنونی شهرداری را انجام می‌داد؛ یعنی به وضع عمومی بازار نظارت می‌کرد و از کم‌فروشی و گران‌فروشی جلوگیری می‌کرد و نمی‌گذاشت که دهقانان و پیشه‌وران و صنعتگران کالاهای فاسد یا تقلبی را به مردم بی‌خبر بفروشند.

آگاهی ما درباره بلدییه شیراز در دوران پهلوی اول به‌نحو تعجب‌آوری بسیار اندک است به‌گونه‌ای که تنها کتاب تخصصی که درباره تاریخ شهرداری شیراز نگاشته شده است درباره دوسوم از دوران پهلوی اول هیچ‌گونه اطلاعاتی ارائه نمی‌کند. به‌نظر می‌رسد برای روشن‌کردن تاریخ بلدییه شیراز نیازمند پژوهش‌های بیشتری هستیم. در روزگار پهلوی، بلدییه‌ها نقشی بیش از شهرداری‌های امروزی برعهده داشتند و درواقع، مهم‌ترین ابزار حاکمیت در شهرها بودند. از نظر مردم، بلدییه سنگر آزادی و مجرای تحقق خواسته‌های محلی آنها بود. مطابق قانون، بلدییه‌ها وظایف بسیاری در حیطه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی و... برعهده داشتند. بنابراین کارکرد آنها بیش از یک نهاد خدماتی صرف بود. شیراز بزرگ‌ترین شهر جنوبی ایران بود؛ باین‌حال بلدییه‌ای کوچک داشت که انتظارات عمومی را برآورده نمی‌کرد. در دوران پهلوی اول، باتوجه به اقتدار نسبی حکومت و توسعه دستگاه اداری، بلدییه‌ها در سراسر کشور به‌شکل کمی و کیفی گسترش یافتند. آنها موفق شدند از چارچوب بلدییه در دوران قاجار فراتر روند و به نهادی مهم تبدیل شوند که حکومت به‌شیوه‌های گوناگون برای زیرسیطره‌گرفتن آنها می‌کوشید.

مهم‌ترین پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره تاریخ بلدییه عبارت است از: کتاب از بلدییه تا شهرداری تألیف محمدرضا خالصی (۱۳۸۸) که تاریخ شهرداری شیراز را از زمان تأسیس تا سال ۱۳۸۶ش/۲۰۰۷م شامل می‌شود. این کتاب از گروه پژوهشی بهره برده است و در نوع خود بهترین کتاب موجود است؛ اما برای موضوع این پژوهش حاوی اطلاعات چندانی نیست. نویسنده کتاب خود به مشکلات تهیه این کتاب اشاره

تصویب‌نامه‌ای ادارهٔ صحیة و معاونت عمومی بلدیة تهران تأسیس شد. در سوم دلو (دی) ۱۳۰۳ش/۲۳ ژانویه ۱۹۲۵م، قانون دیگری برای تکمیل سازمان شهرداری تصویب شد. در سال ۱۳۰۴ش/۱۹۲۵م، قانون جامع‌تری باعنوان قانون بلدیة در ۷۰ ماده از تصویب مجلس گذشت. سرانجام در ۳ خرداد ۱۳۰۹ش/۲۴ می ۱۹۳۰م قانون، وظایف و مسئولیت‌های شهرداری را مشخص کرد (محبوبی اردکانی، ۲۵۳۷: ۱۳۳ و ۱۳۴). عبدالله مستوفی معتقد بود که سیدضیاءالدین با اقداماتش، سنگ اول بنای بلدیة را گذاشت (مستوفی، ۱۳۸۴: ۲۴۰). در زمان نخست‌وزیری او با تدوین نظامنامه‌ای در هیئت دولت، بلدیة به دولت وابسته شد و تحولات آن تحت تأثیر تقسیمات قدرت سیاسی قرار گرفت. براساس این نظامنامه، در مراکز استان‌ها تشکیلات بلدیة زیر نظر استاندار قرار می‌گرفت و استاندار کفیلی برای ریاست بلدیة تعیین می‌کرد. نظامنامه ۱۳۰۹ش/۱۹۳۰م، وابستگی بلدیة به دولت را تشدید کرد؛ همچنین گرفتن عوارض را نیز تسهیل کرد (رئسی، ۱۳۸۸: ۲۴).

بلدیة با عموم مردم سروکار داشت و اقداماتش به‌طور مستقیم زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌داد. بلدیة‌های فارس در دوران پهلوی اول مراحل تکاملی خود را طی می‌کردند. به‌علت نبود منابع مالی لازم برای خدمات شهری، برخی قصبات فاقد بلدیة بودند و به‌علت کمی عایدات بلدیة، برخی دیگر نیز که بلدیة داشتند قادر نبودند تمام وظایف شهرداری را به‌معنای واقعی آن انجام دهند. به‌منظور بررسی و نقد عملکرد بلدیة‌ها، نخست نظامنامهٔ موقتی بلدیة آورده می‌شود و سپس نظامنامهٔ بلدیة‌ها از نظر می‌گذرد که پس از تصویب در مجلس شورای ملی، در خرداد ۱۳۰۹ش/۱۹۳۰م در روزنامهٔ استخر منتشر شد.

علاوه‌براین، دیوان محتسب حفظ امنیت و آرامش شهر را نیز به‌عهده داشت و ازاین‌نظر، قسمتی از کار شهربانی امروز را انجام می‌داد. این دیوان مراقب بود که مردم مشروبات الکلی ننوشند و در معاملات و مرافعات، مزاحم یکدیگر نشوند و عملی خلاف مقررات شرع و عرف انجام ندهند و به حدود و حقوق یکدیگر تخطی و تجاوز نکنند (راوندی، ۱۳۷۸: ۶۳۱/۴). پیش از تشکیل بلدیة در تهران، ادارهٔ احتسابیة تاحدودی همان وظایف بلدیة را انجام می‌داد (نیل‌قاز، ۱۳۸۸: ۱۰۰۸)؛ اما سابقهٔ تأسیس بلدیة‌ها به دوران قاجار برمی‌گردد. زمانی که گسترش روابط با اروپاییان دولت را متوجه کرد که باید ظاهر پایتخت را تمیز و زیبا نگه دارد و محیطی تاحدودی مناسب برای زندگی خارجیان فراهم کند. در سال ۱۲۶۷ق/۱۸۵۱م، در نخستین سال‌های سلطنت ناصرالدین‌شاه، کوچه‌های ارگ پادشاهی را صاف و سنگ‌فرش کردند (محبوبی اردکانی، ۲۵۳۷: ۱۲۸). سال بعد برای تنظیف دارالخلافه قراروی مجدد گذاشتند و سال پس‌از آن نیز رسیدگی به امور اصناف به میرزاموسی، وزیر دارالخلافه، واگذار شد. در زمان تصدی میرزاعباس‌خان، پسر میرزارضای مهندس‌باشی، بر امور بلدی دستوری باعنوان تنظیمات حسنه برای پاکیزگی کوچه‌ها و مجراهای آب‌ها و وظایف مأموران احتساب نوشته شد. نوشتن این دستور باعث شد که کارهای خدماتی بلدی تاحدی سروصورتی به خود بگیرد (محبوبی اردکانی، ۲۵۳۷: ۱۲۹ تا ۱۳۱).

تا زمان مشروطیت و تأسیس رسمی بلدیة، نظمیة امور مربوط به بلدیة را عهده‌دار بود. نخستین قانون بلدیة در ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ق/۲ ژوئن ۱۹۰۷م، در ۱۰۸ ماده به تصویب رسید که هرگز اجرایی نشد. در ۵ ثور (اردیبهشت) ۱۳۰۰ش/۲۵ آوریل ۱۹۲۱م، با صدور

نظامنامه بلدیها

نظامنامه موقتی شورای بلدیة مقرر می‌کرد در نقاطی که بلدیة زیر نظر حکام اداره می‌شود، شورای بلدی تشکیل شود. حکومت به محض رسیدن فرمان وزارت داخله، به فاصله دو روز، از بیست و چهار نفر از طبقات شش‌گانه دعوت می‌کرد. فراخوانندگان در همان جلسه نخست با رأی مخفی و اکثریت نسبی، یک نفر را برای عضویت شورای بلدی برمی‌گزیدند. پنج تن هم در جایگاه عضو علی‌البدل، از میان همان دعوت‌شدگان انتخاب می‌شدند. برای انتخاب مزبور، حضور دوسوم دعوت‌شدگان کافی بود. حکومت نتیجه انتخاب را در همان جلسه اعلام می‌کرد و پس از استعلام از پذیرش عضویت، به‌طور رسمی آنها را به کار دعوت می‌کرد. نشست شورای بلدی هفته‌ای یک‌بار در اداره حکومتی تشکیل می‌شد. نظامنامه موقتی وظایف زیر را به دوش شورای بلدی گذاشته بود: ۱. بازبینی در درستی هزینه‌ها برابر با بودجه تصویب‌شده؛ ۲. رایزنی در کارهای عام‌المنفعه؛ ۳. بررسی در درستی جریان امور بلدی و فرستادن اطلاعات لازم به دفتر حکومتی؛ ۴. مشاوره در نرخ کالاها و خواربار و آنچه به نیاز همگانی مربوط بود. حکومت آنچه از پیشنهادهاى شورای بلدی در حدود آیین‌نامه‌ها بود، بی‌درنگ اجرا می‌کرد و آنچه به کسب اجازه از وزارت داخله نیازمند بود، به آگاهی آن می‌رساند و کسب اجازه می‌کرد (ساکمف: ۵۱۰۶-۲۹۳-۹۸).

از سال ۱۳۰۹ش/۱۹۳۰م، با تهیه نظامنامه بلدیها فعالیت آنها قانونمندتر شد و شرح وظایف و چارچوب عملکرد سازمانی آن مشخص‌تر شد. مسائلی همچون نظارت مقامات عالی‌رتبه محلی بر بلدیة شکل قانونی به خود گرفت. نظامنامه بلدیة سه بخش و پنج فصل داشت. بخش اول دربرگیرنده دو فصل نخست در

تشکیلات بلدیة بود؛ بخش دوم دربرگیرنده فصل سه و چهار در وظایف بود؛ بخش سوم به مسائل متفرقه مربوط می‌شد. به‌موجب ماده ۳ قانون بلدیة مورخه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۹ ش/۲۰می ۱۹۳۰م، بلدیة شامل انجمن‌های بلدی و اداره بلدیة بود. انجمن بلدی بین ۶ تا ۱۲ عضو داشت. شمار اعضاء در پایتخت دوازده نفر، در ولایات درجه اول نه نفر و در دیگر نقاط شش نفر بود.

انجمن بلدیة به ترتیب زیر انتخاب و تشکیل می‌شد: برای تشکیل انجمن نظارت، والی یا حاکم از طبقات سه‌گانه مالکان و تجار و اصناف شش نفر را دعوت می‌کرد؛ یعنی از هر طبقه دو نفر. این افراد در کانون اعتماد همگانی بودند و به امانت‌داری معروف بودند و سواد داشتند. برگزیدگان پس از پذیرفتن دعوت والی یا حاکم، در محلی که از پیش معین‌شده بود، حاضر می‌شدند و تحت ریاست حاکم یا نماینده او انجمن را تشکیل می‌دادند و به انجام وظیفه مشغول می‌شدند. انجمن نظارت یک آگهی آماده می‌کرد و از دو تا پنج روز پیش از آغاز انتخابات، آن را منتشر می‌کرد. این آگهی دربرگیرنده مطالبی همچون محل انعقاد انجمن، زمان‌هایی که برای دادن تعرفه و اخذ رأی معین می‌شد و شرایط انتخاب‌کنندگان و گزینش‌شوندگان بود. گرفتن تعرفه و دادن رأی در مجلسی انجام می‌شد. شمار نمایندگان منتخب بلدی پنج برابر تعدادی بود که در ماده دوم تعیین شده بود (استخر، ۲۴ خرداد ۱۳۰۹، ش ۷۴۸: ۳ و ۴؛ مختاری اصفهانی، ۱۳۸۰: ۸۵۶ تا ۸۷۲).

پس از پایان رأی‌گیری، به فاصله یک روز، شمارش آراء آغاز می‌شد. قانون تصریح می‌کرد که شمارش آراء باید حداکثر ظرف پنج روز پایان یابد. پس از مشخص شدن نتایج، والی یا حاکم نتیجه را بی‌درنگ به وزارت داخله اطلاع می‌داد. وزارت داخله مراتب را به

جلسه فوق العاده تشکیل شود. برای مطرح شدن مطلبی در انجمن بلدیة، پیشنهاد کتبی اداره بلدیة یا تقاضای کتبی یک سوم نمایندگان بلدیة یا درخواست والی یا حاکم محل ضروری بود. نظامات داخلی انجمن را اعضای انجمن تنظیم می کرد و وزارت داخله تصویب می کرد. مدت دورۀ وکالت دو سال بود (استخر، ۱۳۰۹ خرداد، ش ۷۴۶: ۳).

پس از تصویب نهایی وزارت داخله، رئیس بلدیة تعیین می شد. اگر وزارت داخله صلاح می دید ریاست بلدیة را به عهده حاکم یا نایب الحکومه می گذاشت. اداره بلدیة هر محل به تناسب اهمیت و نیازها، دارای اعضاء و اجزاء اداری و مستخدمان جزء بود. طبق ماده ۲۵، مجموع حقوق اعضاء و مستخدمان اداری بلدیة نباید از ده درصد عایدات سالیانۀ بلدیة هر محل تجاوز می کرد؛ همچنین ماده ۲۶، مستخدمان جزء دون پایه را از پرداخت کسور بازنشستگی معاف کرده بود (استخر، ۲۴ خرداد ۱۳۰۹، ش ۷۴۸: ۳ و ۴؛ مختاری اصفهانی، ۱۳۸۰: ۸۵۶ تا ۸۷۲).

وظایف اداره بلدیة

طبق نظامنامه، وظایف بسیاری بر عهده بلدیة گذاشته شده بود. مهم ترین این وظایف عبارت بود از:

۱. پیشنهاد نوع و میزان عوارض و عایدات بلدی به انجمن؛
۲. تنظیم بودجه و اعتبارات آن و تسلیم آن برای تصویب انجمن و ارسال آن برای جلب موافقت وزارت داخله؛
۳. فروش اموال منقول و غیرمنقول متعلق به بلدیة و خرید اموال منقول و غیرمنقول برای بلدیة با نظارت انجمن و تصویب وزارت داخله؛
۴. پذیرش اعانه به نام شهر؛

هیئت دولت پیشنهاد می کرد تا عدۀ لازم از میان منتخبان تعیین شوند. انتصاب افراد به حکم دولت بستگی داشت. انتخاب اشخاصی که بیش از سه دهم آراء را داشتند، در برابر کسانی که آراء کمتری به دست آورده بودند، ارجح بود. برای انتخاب کنندگان داشتن شرایط زیر لازم بود: ۱. تبعه دولت ایران باشند؛ ۲. سن آنها کمتر از ۲۰ سال نباشد؛ ۳. به جنحه و جنایت محکوم نباشد. نظامیان و مأموران نظمیه و امنیه حق شرکت در انتخاب کردن را نداشتند. برای انتخاب شوندگان نیز شرایط زیر لازم بود: ۱. داشتن تابعیت دولت ایران؛ ۲. داشتن سواد فارسی و سن بین ۳۵ تا ۶۰ سال؛ ۳. شاغل نبودن در ادارات دولتی؛ ۴. نداشتن محکومیت به جنحه و جنایت. اگر از جریان انتخابات بلدی شکایتی مطرح می شد، شکایت مانع از جریان انتخابات نمی شد. وزارت داخله مرجعی بود که باید به شکایات رسیدگی می کرد. وکلای بلدیة پس از پذیرفتن دعوت نامه والی یا حاکم در محلی که برای آنها تعیین شده بود حاضر می شدند و با رأی مخفی و اکثریت نسبی، از بین خودشان رئیس و نایب رئیس و منشی را برمی گزیدند. انتخابات هیئت رئیسه انجمن هر سال تجدید می شد. تنها در صورت حضور دوسوم اعضاء، جلسات انجمن رسمیت داشت. اکثریت آرا وقتی به دست می آمد که بیش از نیمی از حضار به طرحی رأی می دادند. در صورتی که یک سوم اعضا درخواست می کردند، رأی گیری به صورت مخفی انجام می شد.

بر اساس ماده ۱۷، به والی یا حاکم و رئیس بلدیة حق شرکت در جلسات انجمن داده بود. منشی انجمن وظیفه نوشتن صورت مذاکرات جلسه و تصمیم های انجمن را در دفتر مخصوص بر عهده داشت. جلسه های رسمی انجمن یک مرتبه در ماه برگزار می شد. در صورت نیاز، با پیشنهاد رئیس بلدیة ممکن بود که

۵. پیشنهاد تغییر نقشه شهر و تأمین قیمت منصفانه برای زمین‌ها و ساختمان‌های متعلق به اشخاص؛
 ۶. تهیه میدان‌های عمومی برای خرید و فروش ارزاق و غیره؛
 ۷. تصدی و مراقبت در جمع‌آوری عایدات بلدی و به‌مصرف‌رساندن آن در حد بودجه با اجازه وزارت داخله؛
 ۸. اداره کردن اموال منقول و غیرمنقول متعلق به بلدی؛
 ۹. مراقبت در تهیه وسایل فراوانی و ارزانی احتیاجات عمومی به‌خصوص در مواقع سختی و قحطی؛
 ۱۰. نظارت و تفتیش در صحت اوزان و مقیاس‌ها؛
 ۱۱. توسعه معابر عمومی و ساختمان خیابان‌ها و پل‌ها و زیرآب‌های شهر و اداره‌ها و باغ‌های ملی و گردشگاه‌های همگانی و بیمارستان‌ها و دارالمساکین و تیمارستان‌ها و سایر مؤسسات خیریه؛
 ۱۲. مراقبت نظافت، روشنایی و آراستگی شهر مطابق احتیاجات محلی؛
 ۱۳. تهیه آمارهای مربوط به امور بلدی؛
 ۱۴. مراقبت در امور صحتی حوزه بلدی و معاونت عمومی توسط شعب طب‌امدادی و بیمارستان‌های شهری و تیمارستان و مؤسسه‌های خیریه و نگهداری بچه‌های بی‌سرپرست، اتخاذ تدابیر لازم در زمان بروز بیماری‌های واگیردار، مراقبت در انتظام امور غسلخانه‌ها و قبرستان‌ها، اهتمام در اجرای تعلیمات و شرایط صحتی در کارخانه‌ها، مراقبت در پاکیزگی حمام‌ها و تنظیم امور آب‌ها و لایروبی کاریزها در حوزه بلدی؛
 ۱۵. اقدامات لازم در برابر آتش‌سوزی و سیل؛
 ۱۶. جلوگیری از گدایی و واداشتن متکدیان به کارهای صنعتی؛
 ۱۷. حفظ بناها و آثار قدیمی مختص شهر؛
۱۸. حفظ و تکمیل نظامات صنفی و رفع احتیاجات مربوط به آن؛
 ۱۹. مدعی و مدعی‌علیه واقع شدن در دادگاه‌ها؛
 ۲۰. تعیین و تعدیل نرخ گوشت، نان و دیگر خواروبارها، نرخ مصالح بنایی و میزان کرایه وسایل نقلیه مربوط به حوزه بلدی؛
 ۲۱. تهیه قراردادهای لازم برای تسهیل امور قصابی و خبازی و محدودکردن آن درمواقع ضرورت.
- باتوجه به کثرت وظایف فوق، تأکید شده بود آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد و باید در کانون توجه و اهتمام مخصوص بلدی باشد عبارت است از: نگهداری، تعمیر، نظیف و تنویر (روشنایی) گذرگاه‌ها، تنظیم و پاکیزه کردن آب‌ها و تنظیم امور ارزاق. سایر وظایف مقرر را بلدی در حدود عواید و اعتباراتی که به دست می‌آورد، با موافقت و نظارت انجمن بلدی، به‌تدریج انجام خواهد داد (استخر، ۲۴ خرداد ۱۳۰۹، ش ۷۴۸: ۷ و ۳؛ مختاری اصفهانی، ۱۳۸۰: ۸۵۶ تا ۸۷۲).

مسائل متفرقه

مسائل متفرقه ماده ۳۱ تا ۳۶ نظامنامه بلدی‌ها را شامل می‌شد. ماده ۳۱، بلدی را متصدی جمع‌آوری و خرج همه عوارض و درآمدهایی کرده بود که برای بلدی وضع یا تصویب می‌شد. سایر مواد نیز به شرح زیر بود: ماده ۳۲، مالیات مستغلات و سهم ذبایح و دیگر درآمدهایی که به‌صورت قانونی به بلدی اختصاص دارد و متصدی وصول آن وزارت مالیه است، همچنین عایداتی که ممکن است بعدها وزارت مالیه یا ادارات دیگر برای بلدی وصول و جمع‌آوری کنند، پس از وصول مالیه محل بی‌درنگ به بلدی هر محل تسلیم می‌شود و تصدی جمع و خرج آن خود بلدی خواهد بود؛ ماده ۳۳، اداره بلدی هر شش‌ماه یک‌بار صورت

انتخابات نیز تضمینی برای عضویت در شورای بلدیہ نبود؛ زیرا وزارت داخله اجازه داشت عدۀ لازم را از میان منتخبان برگزیند و انتصاب افراد منتخب به حکم دولت وابسته بود. در این قضیہ، تنها مزیتی که برای رأی مردم در نظر گرفته شده بود این بود که تعیین اشخاصی که بیش از سه دهم آرا را کسب کرده بودند بر دارندگان کمتر از این مقدار مقدم شمرده شده بود! در صورت فوت یا استعفای هریک از اعضای انجمن بلدی، وزارت داخله از میان بقیه منتخبان جایگزین او را تعیین می کرد. اعضای انجمن بلدیہ در صورت سه جلسہ غیبت غیرموجه از جلسہ های برگزار شدۀ انجمن بلدیہ، عزل می شدند.

نمونه های ذکر شده باعث می شد که انجمن بلدیہ در مقابل مقامات محلی چندان قدرت ایستادگی نداشته باشند. حتی درباره موضوعاتی که جلسہ به علت آنها برگزار می شد، وضعیت به نحوی بود که طرح دیدگاه های حاکم و ادارۀ بلدیہ از طرح دیدگاه نمایندگان سهولت بیشتری داشت؛ زیرا برای طرح مطلبی از سوی نمایندگان انجمن بلدی، تقاضای کتبی یک سوم اعضا لازم بود؛ اما برای طرح مطالب از سوی مقامات محلی، پیشنهاد کتبی حاکم یا والی کافی بود! موضع بالادستی حاکم محل، بسیاری از اختیارات انجمن بلدی را سلب کرده بود. به خصوص که حاکمان حق شرکت در جلسات بلدیہ و تفتیش از بلدیہ و دوایر جزو آن را هم داشتند. از سوی دیگر، در صورتی که انجمن پیشنهاد های حاکم یا رئیس بلدیہ را نمی پسندید، این اعضای انجمن بودند که باید طرف مقابل خود را اقناع می کردند و در صورتی که موفق نمی شدند، رأی وزارت داخله قاطع بود.

بلدیہ وظایف پرشماری داشت که امروزه بسیاری از این وظایف را نهادهای دیگر عهده دار شده اند.

جامعی از تمام دارایی های منقول و غیرمنقول متعلق به آن اداره را ترتیب خواهد داد، به ضمیمه گزارش کارهای خودش، به وسیله ایالت یا حکومت به وزارت داخله خواهد فرستاد و سالی یکبار عملیات یکساله خود را برای آگاهی عموم منتشر خواهد کرد. رئیس بلدیہ واسطه ارتباط انجمن با وزارت داخله است؛ ماده ۳۴، ولات و حکام حق بازرسی و رسیدگی امور بلدیہ و دوایر و مربوط به آن را دارند. آنان هرگاه مشاهده کنند که برخلاف مقررات و تعلیمات اقدامی به عمل آمده است، باید به بلدیہ اخطار کنند که آن اقدام را ترمیم کند؛ همچنین باید گزارش قضیہ را برای وزارت داخله بفرستند. بلدیہ افزون بر نظارت انجمن بلدیہ، تحت نظارت دیگر ادارات مافوق است؛ ماده ۳۵، در مواقعی که انجمن با نظر رئیس بلدیہ یا حاکم محل در مسائل مربوط به بودجه یا غیر آن مخالف باشد و اختلاف نظر داشته باشد، انجمن باید ظرف یک هفته علت موافق نبودن خود را به صورت کتبی اظهار کند و رئیس بلدیہ یا حاکم را اقناع کند. در صورتی که آنها با علت های انجمن قانع نشوند، به وزارت داخله گزارش می دهد و رأی وزارت داخله در این باره بی چون و چرا خواهد بود؛ ماده ۳۶، حوزه بلدی عبارت از شهر است، به استثنای تهران که پیش از این حوزه آن مشخص شده است (استخر، ۲۴ خرداد ۱۳۰۹، ش ۷۴۸: ۳ و ۴؛ مختاری اصفهانی، ۱۳۸۰: ۸۵۶ تا ۸۷۲).

سیطره دولت بر بلدیہ ها

دقت در نظامنامه بلدیہ ما را به این نتیجه می رساند که برخلاف تصور، نقش مردم در نهاد بلدیہ چندان پررنگ نبوده است. شورای بلدی با انتخابات برگزیده می شد؛ اما اعضای انجمن ناظر بر انتخابات را والی یا حاکم برمیگزید. از این گذشته، برگزیده شدن در

کند. اگر متهم در فرصتی که داشت از خود دفاع نمی‌کرد یا در محکمه حاضر نمی‌شد، دادگاه به کار خود ادامه می‌داد و حکم صادر شده حضوری محسوب می‌شد (ساکمف: ۲۶۸۸-۲۹۳-۹۸). در صورتی که متهم درخواست بازنگری می‌کرد، دادگاه تجدیدنظر از سه نفر کارمند جدید در مرکز شهرستان تشکیل می‌شد که رأی آن لازم‌الاجرا بود (ساکمف: ۹۴۰۰-۲۹۳-۹۸).

بلدیه شیراز

در شیراز، تأسیس بلدیه یا همان شهرداری چندان دیرتر از سایر نقاط کشور نبود. پس از پیروزی انقلاب مشروطه، در سال ۱۲۸۶ش/۱۹۰۷م و در زمان استانداری مهدی‌قلی هدایت، بلدیه شیراز تأسیس شد. انجمن بلدیه در همان سال، حبیب‌الله‌خان حاجی‌قوام را در حکم اولین رئیس بلدیه انتخاب کرد. وی به‌همراه شش کارمند و کارگر، خدمات شهرداری را در شیراز به وجود آورد؛ سپس عده‌ای نایب، فراش و سپور تحت فرمان او قرار گرفت. سپورها با مشک خیابان را آب‌پاشی می‌کردند تا گردوخاک آنجا رهگذران را آزار ندهد. دستمزد این افراد از عوارضی تأمین می‌شد که بلدیه از اسب، شتر، قاطر و... (مالیات نواقل) می‌گرفت. این مبلغ به قدری ناچیز بود که اضافه نمی‌آمد تا صرف امور دیگری همچون خیابان‌سازی، سنگفرش کردن یا... شود (رئیس، ۱۳۸۸: ۲۲ و ۲۳). با وجود تأسیس بلدیه، به‌علت خامی و ناپختگی ناشی از بی‌تجربگی اولین بلدیه‌ها و موانع و مشکلات فراوان مانند چالش‌ها و تقابل‌های دولت و مشروطه‌خواهان بر سر مسائل مختلف که جامعه انقلابی ایران با آن روبه‌رو بود، به‌احتمال تشکیل بلدیه به‌شکل قانونی چند سالی پس‌ازاین تاریخ صورت گرفت. پیش از تشکیل بلدیه، تمیزکردن کوچه‌های شهر سابقه داشت؛ اما این کار با

قانون‌گذار خود متوجه بود که در اوضاع آن زمان، بلدیه‌ها به انجام تمام این وظایف قادر نبودند؛ بنابراین انجام آن را به وجود اعتبارات مالی موکول کرده بود و تدریجی دانسته بود. گاه گستردگی کار بلدیه پای آن را به حوزه زندگی خصوصی و روابط اجتماعی افراد نیز باز کرده بود و به آن صورت مضحکی داده بود؛ برای نمونه اختلاف بین نظمی و حکومت آباده درباره سلام‌کردن و برداشتن کلاه، کار را به کسب تکلیف از ایالت فارس کشاند (ساکمف: ۱۲۳۹-۲۳۹-۹۸). معلوم نیست در صورتی که بسیاری از وظایفی که بلدیه آباده باید انجام می‌داد و به‌علت‌های مختلف معطل مانده بود، این‌همه نامه‌نگاری در این باره چه ضرورتی داشته است!؟

از سوی دیگر با مصوبه اسفند ۱۳۱۰ش/۱۹۳۱م، رسیدگی به تخلف‌های اداری کارمندان و مستخدمان دون‌پایه بلدیه منظم شد. در این نظامنامه، طرز جریان و تشکیل محکمه اداری شرح داده شد. رئیس بلدیه یا قائم‌مقام او به‌محض آگاه‌شدن از اختلاس، کلاهبرداری یا ارتشا مستخدمان رسمی یا غیررسمی دون‌پایه بلدیه، با شواهد کافی که در دست داشت، بلافاصله با آگاه‌کردن ایالت برای رسیدگی به محکمه اداری مراجعه می‌کرد. محکمه اداری از سه نفر اعضای بلدیه یا اداره حکومتی تشکیل می‌شد. رئیس بلدیه یک نفر از اعضا بلدیه را که جایگاه شغل اداری او از مستخدم متهم کمتر نبود، به سمت نمایندگی از سوی بلدیه معین می‌کرد تا در محکمه اداری اقامه دعوا کند. در صورتی که در بین مستخدمان بلدیه چنین فردی نبود، ممکن بود که این فرد از اعضای اداره حکومتی یا سایر اداره‌ها برگزیده شود. در محکمه اداری ریاست با کسی بود که از لحاظ شغلی و رتبه، بر بقیه مقدم بود. متهم یک هفته فرصت داشت تا به‌طور کتبی از خود دفاع

باقی مانده است؛ سپس با عباراتی همچون «کوچه‌های شیراز رشک پاریس می‌شود»، بلدیة را به تمسخر گرفت (خالصی، ۱۳۸۸: ۴۷ و ۴۸). در سال ۱۳۰۰ش/۱۹۲۱م، روزنامه گلستان گلایه کرد که از خندق باقی‌مانده از عهد کریم‌خان زند که به‌منظور جلوگیری از خطر سیلاب ایجاد شده بود، هرکس به‌هرنحو که می‌خواهد، استفاده می‌کند؛ یکی آن را به باغچه تبدیل کرده است و دیگری قهوه‌خانه کرده است و دیگری آنجا را به محل زراعت خود بدل کرده است (گلستان، س ۳، ش ۱۷: ۴). توشۀ عمومی وضعیت مناسبی نداشت و در شهر نشان چندانی از تنویر و نظیف به چشم نمی‌خورد. پس از سقوط کابینۀ سیدضیاء و لغو مالیات غیرمستقیم، بیشتر بلدیة‌ها با مشکل تأمین اعتبار برای مخارج بلدیة روبه‌رو شدند؛ به همین منظور، ریاست وزرا بخش‌نامه‌ای فرستاد و تشکیل کمیسیونی از مطلعان محلی را برای تعیین راه درآمد دیگری با هدف گسترش بلدیة و نظمیة خواستار شد (گلستان، س ۳، ش ۲۶).

برای جبران منابع مالی که با الغای مالیات‌های غیرمستقیم از دست‌رفته بود، تعیین مالیات‌ها و عوارض بلدی ضرورت داشت. فشار روزنامه‌های محلی بر بلدیة فراوان بود؛ برای مثال در سال ۱۳۰۰ش/۱۹۲۱م، فشار روزنامه گلستان باعث برکناری عامل اجرای بلدیة شد (گلستان، س ۳، ش ۲۴: ۳). باوجود وضع عوارض محلی توسط بلدیة‌ها، در شیراز وضعیت خدمات شهری بهبود نمایی نیافت. منابع جدید مالی در حدی نبودند که درآمد بلدیة را چندان افزایش دهند. در سال ۱۳۰۲ش/۱۹۲۳م، با توقیف منابع ناچیز درآمد، اوضاع تأسف‌باری بر بلدیة حکم‌فرما شد؛ به‌گونه‌ای که حتی جو و علیق الاغ‌های نظیف بلدیة هم دچار مشکل شد. وکلای انجمن بلدیة در دیدار با والی، مساعدت‌های لازم را خواستار شدند (جام‌جم،

همیاری خود مردم انجام می‌شد و نهاد خاصی عهده‌دار این وظیفه نبود. صاحب فارس‌نامه اشاره می‌کند که در سال ۱۲۹۹ق/۱۸۸۱م، به دستور صاحب‌دیوان، تمام کوچه‌های ده محله شیراز را از گچ و سنگفرش کردند و رهگذران را از رنج گل‌ولای زمستانه و خاک تابستانه آسوده کردند. برحسب قرارداد قوام‌الملک، برای بازار مسگران که سقفی از نی و بوریا داشت، مانند بازار وکیل سقف‌هایی از گچ و آجر زدند و از دروازه اصفهان تا بازار وکیل، دکان‌ها را با سقف آجری و گچی پوشاندند (حسینی‌فسائی، ۱۳۸۲: ۸۶۵). در سال ۱۳۱۷ق/۱۸۹۹م، زمانی که نظام‌الملک والی فارس بود اعتمادالسلطان میرزا حبیب‌الله بیگلربیگی، فرزند قوام، نظیف شهر را عهده‌دار شد. دو سال بعد، شعاع‌السلطنه در تنویر (روشن‌سازی) شهر کوشید. او به کمک زندانیان، بازار وکیل و بقیۀ بازارها را جارو می‌کرد. همچنین در سال ۱۳۲۱ق/۱۹۰۳م، علاالدوله دستور داد جلوی دکان‌هایی که کوچه‌ها را تنگ کرده بودند و به‌نوعی سد‌معبّر ایجاد شده بود، خراب کنند و به بیگلربیگی دستور داد تا کوچه‌ها و چهار بازار وکیل را تمیز کنند. همچنین به فرمان او میدان‌های توپخانه، سربازخانه و طویله را تعمیر کردند. در این زمان، مجلسی از علما و تجار و خان‌ها تشکیل دادند که مخارج پاکیزه‌کردن شهر را برآورده کنند. هزینه نظیف شهر را خود والی و ده‌پانزده نفر دیگر پرداخت کردند (کدیور، ۱۳۸۴: ۳۰۴ و ۳۰۵).

چنان‌که بیان شد، سابقۀ تشکیل بلدیة در شیراز به پیش از دوران پهلوی برمی‌گشت؛ اما به‌علت‌های گوناگون، همه مردم از عملکرد آن راضی نبودند و نارضایتی عمومی در روزنامه‌های محلی انعکاس می‌یافت. در سال ۱۲۹۸ق/۱۸۸۰م، روزنامه فارس ادعا کرد که از بدو تأسیس بلدیة شیراز هیچ‌گونه اقدام اصلاحی در امور آن مشاهده نشده است و به حال فلج

می‌شود. سگ‌های کشته‌شده از را برداشته نشده‌اند و در محلات دوردست سگ‌های ولگرد جولان می‌دهند. آقای نصرالسلطنه! شما بودید که مالیات نواقل را که قبل از شما وجود نداشت از مردم گرفتید و یک قانون مرده فراموش‌شده را احیاء کردید. شما این مالیات را برای تهیه بودجه عمرانی شهر گرفتید؛ اما وضع شهر خوب نشده است. شما نمی‌توانید حس آن پا به گل فرورفته که در خیابان دروازه سعدی و اصفهان و کوچه درب کاروانسرای شیخ‌نصرت کمر به لجن سوراخ فرورفته را درک کنی. شما ملتفت نیستی که عابران از بازار گود عربان و بازار مرغ و بازار کفاش‌ها و بازار حوض آقا با چند بسم‌الله و آیت‌الکرسی و لعنت بر شیطان عبور می‌کنند و چه‌بسا خیال می‌کنند تمام کوچه‌های شیراز در اثر گرفتن نواقل شهری و رئیس جدی حالت خیابان باغشاه و فرمانیه را دارد و در هر قدم یک دعا به وجود حضرت والا و یک تشکر از اقدامات بلدی می‌کنند!» (استخر، ۱۳۴۲، ش ۴۴: ۴۴).

بلدیه شیراز برای اصلاح معابر شهری به مالیات نواقل متکی بود. درآمد ناشی از آن ناچیز بود و برای کارهای اصلاحی جدی به‌شدت ناکافی بود. در سال ۱۳۰۲/ش ۱۹۲۳م، درآمد حاصل از این مالیات حتی به‌اندازه‌ای نبود که با آن بشود وضع نامناسب خیابان باغشاه را سروسامانی داد (ساکمف: ۱۳۰۳۰-۲۹۳-۹۸). البته وقفی‌بودن قسمتی از زمینی که خیابان می‌بایست در آن احداث می‌شد و ممانعت متولی هم در این نابسامانی نقش داشت (ساکمف: ۱۳۰۳۰-۲۹۳-۹۸).

بلدیه این امکان را نداشت که روشنایی شهر را تأمین کند. در سال ۱۳۰۲/ش ۱۹۲۳م، شهرداری بیش از چهارصد چراغ برای روشنایی شهر تهیه نکرد. همین شمار اندک چراغ نیز هر شب روشن نبود و جز چراغ‌های زیر طاق‌ها، از هفتم تا هفدهم ماه چراغ‌ها

۲۶ محرم ۱۳۴۲، ش ۳۷: ۴). بنابر قانون، کنترل وضعیت آذوقه از وظایف مهم بلدییه بود؛ اما در شیراز آذوقه وضعیت مناسبی نداشت و میان عایدات و مخارج بلدییه تعادلی نبود. مطابق تشخیص دایره محاسبات اداره بلدییه، تا ۱۵ سرطان (تیر) ۱۳۰۲، دیون آن اداره ۲ هزار و ۴۵۰ تومان بود (جام‌جم، ش ۳۱ و ۳۲: ۲).

در ۳ آبان ۱۳۰۲/ش ۱۲۶ اکتبر ۱۹۲۳م، روزنامه جام‌جم علت‌های انحطاط بلدییه را بیان کرد و ضمن اشاره به وجود اختلاف بین وکلای بلدییه و همچنین رئیس نوشت: «اگر نظری به صحن کثیف و حیاط مملو از خاک‌روبه درشت بلدییه می‌افکندی و اگر خدای‌نخواستہ اول صبح به قیافه آلوده به کثافت و صورت نشسته رئیس بلدییه نظری می‌افکندی، توقع تنظیف شهر را نداشتی و اگر در میان ظلمت شب در شب تار تابلوی بلدییه را می‌توانستی ببابی و اثری از وجود بلدییه می‌یافتی، حق داشتی توقع بودن چراغ را در زوایای شهر و زیر طاق‌ها و گوشه‌کنارها بنمایی. نویسنده امیدواری بود با افزایش عواید نواقل و دریافت مالیات دواب در تنویر و تنظیف شهر موفقیتی حاصل شود» (جام‌جم، ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۴۲، ش ۴۳ و ۴۴: ۳).

روزنامه استخر می‌افزاید: «شیراز ۱۴ سال است بلدییه دارد؛ اما الان اوضاع بلدییه از زمانی که بلدییه دارای بودجه نبود هم بدتر است. آیا عده‌ای از همین وکلای بلدییه نیستند که آن را بازیچه اغراض شخصی خود قرار داده‌اند و آن را به‌کلی فلج و بی‌آبرو ساخته‌اند. هنوز سی نفر از اعضای بلدییه نتوانسته‌اند یک کوچه را صاف کنند و ارزاق عمومی را برای سه ماه نرخ‌بندی کنند یا اختیارات کسبه در خرید و فروش را محدود کنند یا نتوانسته‌اند جلوگیری از صحرارو کنند و یا خرید و فروش زغال و هیزم را آزاد کنند یا اداره کنند» (استخر، ۱۳۴۲، ش ۳۲: ۲). همچنین در شماره‌ای دیگر نوشت: «در هر چند قدم تلی از گل دیده

خواست که با نقشه به بلدیة بیایند و مجوز بگیرند. افراد مختلف به مجازات تهدید شدند (استخر، ۱۳۰۴، ش: ۸: ۳) از سوی دیگر، برای جبران ناتوانی بلدیة در انجام تمام کارها، بهره‌گیری از کمک مردم در دستور کار قرار گرفت. مدتی بعد، یاور رخشا اعلام کرد ریختن زباله در گذرگاه‌های عمومی مجازات دارد و تمام اهالی اعم از سکنه منازل و صاحبان مغازه‌ها باید حریم منزل و دکان خود را جارو کنند و زباله‌های آن را بردارند؛ همچنین بیان کرد که اهالی باید سنگفرش کوچه و پیرامون خانه‌ها و مستغلات خود را مطابق دستور معمار بلدیة بسازند یا تعمیر کنند، ناودان‌ها باید لوله‌ای شوند و روی جوی‌ها نیز باید پوشیده شود (استخر، ۱۳۰۴، ش: ۱۲: ۲) به این ترتیب، برخی کوچه‌های شیراز تاحدی اصلاح شد. وی همچنین خرید و فروش میوه کال، مثل چغاله و بادام و سیب نارس را ممنوع کرد؛ چون گمان می‌رفت فروش آنها کاهش محصولات باغی را باعث می‌شود (بیان حقیقت، س: ۲، ش: ۱۵ و ۱۶: ۸).

اقدامات یاور رخشا بر دل اهالی نور امید می‌تابانید. در ۸ مهر ۱۳۰۴/ ۳۰ سپتامبر ۱۹۲۵، روزنامه استخر امیدوارانه نوشت: بلدیة امروز دو عضو فعال دارد؛ یاور رخشا رئیس و سلماسی معاون و البته هسته مرکزی اداره، سرتیپ محمدحسین میرزا، رئیس ارکان حرب جنوب. در زمان تصدی یاور رخشا بلدیة سه شعبه مهم ایجاد کرد: ۱. شعبه ساختمان که خراب کردن، ساختن، احداث خیابان، توسعه و هموارسازی کوچه‌های عمومی، برداشتن موانع زمینی هوایی و سرانجام تنویر و نظیف از وظایف این شعبه بود؛ ۲. شعبه ثبت اوراق و اداره و توزیع آنها؛ ۳. شعبه سوخت که جمع زغال و هیزم و تقسیم آن میان اهالی را بر عهده داشت (بیان حقیقت، ۱۳۰۴، ش: ۲۵: ۱).

روشن نمی‌شدند و در این شب‌ها روشن کردن شهر از وظایف ماه بود! در مواقع سیل و زلزله و آتش‌سوزی، بلدیة برای کمک، عده‌ای را با ابزارهای لازم از غروب تا صبح در مرکز بلدیة کشیک می‌گماشت. در این زمان‌ها، خدمات آتش‌نشانی یا اطفائیة در تهران نیز هنوز ایجاد نشده بود و به‌نظر در صورت بروز حادثه‌ای جدی، این افراد کارایی چندانی نداشته‌اند. امیرنصرت، رئیس بلدیة شیراز، اهالی را ملزم کرد تا جدول‌های موجود را پل‌پوش کنند و سر تنوره‌ها را با تخته بپوشانند؛ همچنین اهالی را از ریختن نخاله‌های ساختمانی در بیرون منزل منع کرد (جام‌جم، ۲۷ جمادى‌الاول ۱۳۴۲، ش: ۱۰: ۸). یادآوری این نکته هم ضروری است که در آن سال‌ها هنوز چراغ‌برق در کشور عمومیت نداشت. در سال ۱۳۰۶ ش/ ۱۹۲۷ م در تهران، پایتخت کشور، چراغ‌ها فقط از زمان غروب آفتاب تا دوازده شب روشن بودند؛ همچنین تنها خیابان‌های عمده شهر با چراغ‌برق روشن می‌شدند و برای روشنی بقیه معابر از چراغ‌های نفتی و زنبوری استفاده می‌کردند (محبوبی اردکانی، ۱۳۶۸: ۳۸۷).

در ذکر علت‌های ناکامی بلدیة، روزنامه‌نگاران و برخی مردم عامی سهمی را نیز به تنبلی و آب‌وهوای رخوت‌آور شیراز نسبت داده‌اند! دودستگی بین اعضای شورای بلدیة نیز مشکل‌ساز شد (استخر، ۱۳۴۳، ش: ۳۳: ۱). در این زمان، اختلاف و دودستگی بین نمایندگان بلدیة به‌گونه‌ای بود که به دعوا و کتک‌کاری منجر شد و مستشیرالسلطنه، رئیس اداره بلدیة، به همین علت استعفا داد و کار انتقال زباله‌ها نیز متوقف شد (استخر، ۱۳۴۳: ش: ۴۵: ۳).

باتوجه به اوضاع نابسامان بلدیة، در سال ۱۳۰۴ ش/ ۱۹۲۵ م، اداره قشون یاور محمدعلی خان (درخشان) را متصدی امور بلدیة کرد. وی با انتشار اعلامیه‌ای، از افرادی که قصد ساخت و ساز داشتند

نواقل پرداخت کند که در ماه مقداری بیش از هزار تومان می‌شد؛ درحالی‌که جدا از تمام مخارج انتفاعی شهر، بلدیة در ماه بالغ بر ۳ هزار و ۵۰۰ تومان هزینه داشت. با این‌همه، برای پرداخت همین مقدار نیز لازم بود که بودجه به تصویب وزارت داخله و مالیه برسد و خزانه‌داری آن را تأیید کند و اجازه پرداخت را صادر کند. بلدیة به این موضوع به‌شدت معترض بود. نمایندگان، بلدیة را خارج از دایرة شمول قانونی این سخن می‌دانستند. بلدیة شیراز خود را مؤسسه انتخابی ملی و قانونی می‌دانست و در قانون بلدیة باصراحت ذکر شده بود که بودجه بلدیة قانونی بایستی به تصویب انجمن بلدیة برسد. انجمن بلدی بایستی بودجه را تدوین و معلوم می‌کرد که احتیاجات شهر به چه میزان است؛ همچنین در قانون مالیات راه، کنترل و نظارت مالیه از بلدیة برداشته شده بود و تصریح شده بود که مالیه حق نظارت بر مخارج بلدیة‌های قانونی را ندارد. علت دیگر مخالفت بلدیة این بود که قانون معین کرده بود که بودجه بلدیة‌ها را باید در حدود عایدات سال ۱۳۰۴ش/۱۹۲۵م پرداخت کرد. مالیه عایدات بلدیة شیراز را در سال ۱۳۰۴ش/۱۹۲۵م، مازاد نواقل تشخیص می‌داد و بلدیة منابع درآمد خود را تمام درآمدها و عوارض شهری می‌دانست و جمع‌آوری و واریز آن به خزانه دولت و نپرداختن آن به بلدیة را ناحق می‌دانست (جام‌جم، ۱۳۰۵، ش ۱۱۷: ۲).

مالیه استدلال می‌کرد که بودجه بلدیة در سال ۱۳۰۵ش/۱۹۲۶م، مطابق بودجه سال پیش و منحصر به عایدات راه است و در صورت رعایت نکات قانونی و وصول اطلاعات درخواست‌شده از ولایات آن را تصویب خواهد کرد. مالیه همچنین اعلام کرد که بودجه ولایات تابعه همچون آباءه، کازرون، دشتی و دشتستان را با وصول اطلاعات ضروری تصویب کرده است و ابلاغ کرده است. در این قضیه، وزارت داخله

پیشرفت نسبی در اقدامات عمرانی بلدیة در زمان تصدی یاور رخشا، مرهون افزایش عایدات بلدیة بود. در این زمان، بلدیة از ماکولات و نواقل عوایدی در حدود ماهی ۷ هزار تومان داشت که صرف ایجاد خیابان‌ها و کوچه‌های داخلی شهر و گسترش دایرة نظیف و افزایش چراغ‌های شهر و خیابان‌های زند و فرمانیه و محمودیه شد. به این منظور، تخریب برخی ساختمان‌ها و مغازه‌ها ضروری بود؛ اما پس از شروع تخریب‌ها و پیش از تعمیر ابنیه ویران‌شده، وزارت داخله به الغاء یکسری عواید حکم داد که عایدات ماکولات هم از این جمله بود؛ همچنین پس از مدتی با دستور دولت به انفکاک قوای لشکری از کشوری، یاور رخشا از تصدی امور بلدیة کناره گرفت و در عمل کارهای بلدیة با اختلال جدی مواجه شد. با این حال اعضای انجمن بلدیة هیئت‌رئیسۀ جدید را برگزیدند و با رعایت صرفه‌جویی در مخارج شهر، بودجه ماهانه ۶ هزار و ۱۷۷ تومانی برای شهر تصویب کردند؛ اما مالیه فارس این بودجه را رد کرد و تنها با بودجه ماهیانه ۲ هزار و ۲۶۸ تومان موافقت کرد. اعضای انجمن بلدیة معتقد بودند که با این بودجه، ادامه حیات بلدیة ممکن نیست. کارهای عمرانی در عمل متوقف شد؛ به طوری‌که نمایندگان حاضر شدند برای پرداخت حقوق سپورها و قیمت لوازم روشنایی و نظیف، از مالیه مقداری پول به شکل علی‌الحساب و مساعده‌گونه بگیرند (ساکمش: ۰۲-۰۴۹۸۰).

در سال ۱۳۰۵ش/۱۹۲۶م نیز اوضاع بلدیة تغییر بنیادی نکرد. وضع به‌گونه‌ای بود که مدتی از روشن کردن چراغ‌های شهر خودداری شد (استخر، ۱۳۰۵، ش ۷: ۴). ریشه اصلی این مشکلات در تنگناهای مالی بود. در بودجه میزان و مبلغ پرداختی به بلدیة به‌طور دقیق مشخص نشده بود. طبق قانون، مالیه می‌بایست بودجه بلدیة را در حدود عایدات مازاد

حکومت ملی و از ارزشمندترین دستاورد انقلاب مشروطه بود. به لحاظ قانونی، حکومت‌های محلی حق نظارت بر اقدامات بلدیة و شرکت در انجمن‌های بلدی را داشتند؛ اما دولت مرکزی به این حد از نظارت اکتفا نکرد و در مقاطعی با تعیین نظامیان به سرپرستی بلدیة‌ها، در تسلط کامل‌تر بر این سازمان محلی کوشید. تصمیم بعدی دولت به انفکاک قوای لشکری از کشوری موجب استقلال کامل انجمن‌های شهری نشد. در سال ۱۳۰۶ش/۱۹۲۷م، تعطیلی انجمن بلدیة شیراز به وسیله حسنعلی‌خان هدایت، والی فارس، اعتراض مدیران جراید شیراز همچون عصر آزادی، عدالت، بیان حقیقت و تخت جمشید را در پی داشت. انتشار اخباری در روزنامه ایران درباره تأیید اقدام او به وسیله رئیس‌الوزرا، باعث اعتراض سید یعقوب موسوی، نماینده فارس، شد. وی این کار را غیرقانونی دانست و تأکید کرد انتخاب رئیس انجمن بلدیة با خود اعضای انجمن است و این حق انتقال‌دانی نیست. به عقیده او، والی فارس نباید مدعی باشد که حق انتخاب رئیس انجمن به او واگذار شده است؛ سپس به پرسش و حتی استیضاح وزیر داخله تهدید کرد و از رئیس‌الوزرا خواست با این اقدام غیرقانونی حسنعلی‌خان هدایت همراهی نکند. حسن سمیعی، وزیر داخله وقت، تعطیلی انجمن بلدیة و تعیین کمیسیون خاصی برای نظارت بر کارهای بلدیة را غیرقانونی دانست و رأی شورای ایالتی را در برابر مقررات قانونی بی‌تأثیر دانست (مختاری اصفهانی، ۱۳۸۰، ۲۱۳ تا ۲۱۵؛ ساکمش: ۱۷۶).

در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۰۶/۱۸ سپتامبر ۱۹۲۷م هدایت، ریاست‌الوزرا، در مقام دفاع از خود برآمد و در پاسخ، با رد اتهام انجام اقدامات غیرقانونی، از تصمیم خود دفاع کرد. وی شایعۀ بروز وبا در شهر و هیجان افکار عمومی به علت عفونت شهر را یادآوری کرد و

حق را به نمایندگان بلدیة می‌داد. در تاریخ ۵ آبان/۱۲۸ اکتبر آن سال، اداره مرکز وزارت داخله به رئیس مجلس شورای ملی نامه نوشت و خواستار آن شد که به مالیه شیراز فشار آورد تا وجوهی را که دریافت کرده است به بلدیة مسترد کند (ساکمش: ۰۴۹۸۰-۰۲).

در این سال، باتوجه به ناکارآمدی وکلای بلدیة و اوضاع تأسفبار بلدیة، برخی روزنامه‌نگاران خواستار این شدند که دولت رئیس بلدیة را تعیین کند. این مطلب به مذاق عموم مردم خوش نیامد. به دنبال آن در ۶ اسفند ۱۳۰۵/۲۶ فوریه ۱۹۲۷م، عموم طبقات شیراز مشروح‌های به مجلس شورای ملی نوشتند و ضمن انتقاد از نوشته جراید که خواستار این بودند که رئیس بلدیة را وزارت داخله انتخاب کند و حق انتخاب آن از نمایندگان مردم سلب شود برگزاری انتخابات نمایندگان بلدیة به صورت محلی، رعایت تناسب بین نمایندگان و محلات و همچنین افزایش بودجه بلدیة در سال ۱۳۰۶ش/۱۹۲۷م را تقاضا کردند (ساکمش: ۰۹۷).

اقدامات عمرانی بلدیة نیز به شکل کج‌دار و مریز پیش رفت. در ۵ اسفند ۱۳۰۵ش/۲۵ فوریه ۱۹۲۷م، برای تعمیر خیابان حافظ کمیسیونی تشکیل شد و مقدار درخور توجهی پول در اختیار ماژور هال (Major Hall) قرار گرفت تا صرف ساخت و تعمیر راه و خیابان شود و جاده میان دروازه قرآن و دروازه اصفهان که در آن زمان یکی از بهترین خیابان‌های شهر بود، هموارسازی و مرمت و بازسازی شود. بنابر نظر مالیه، در این باره کمیسیونی تشکیل شد و مسئولیت بازسازی این پروژه به موسیو آرژانتین (Monsieur argentina) ایتالیایی داده شد (خالصی، ۱۳۸۸: ۵۴).

سیاست‌های تمرکزگرای دوران پهلوی اول باعث شد که مقامات محلی بلدیة‌ها را بیش‌ازپیش تحت نظارت بگیرند. در نظر بسیاری، انجمن بلدیة از مظاهر

بهبود اوضاع را نشان می‌دهد؛ برای مثال بر میزان چراغ‌های شهر افزوده شد و شهرداری نظارت‌هایی بر اغذیه انجام داد (استخر، ۱۷ مرداد ۱۳۰۶، ش ۱۷: ۳). این بهبود و نظارت‌ها نسبی بود. در فضای سنتی شهر شیراز و در دورانی که در بیشتر نقاط ایران استفاده از نیروی برق عمومیت نداشت، هنوز هم ابزارهای سنتی بیش از وسایل مدرن در زندگی نقش داشتند. در دورانی که در زندگی مردم یخچال‌ها جایی نداشتند، استفاده از برف رایج بود و مصارف خاص خود را داشت. باتوجه به کاربرد برف در تهیه بستنی، لازم بود که بر آماده‌سازی و فروش آن نظارت شود. نوسانات قیمتی برف در روزنامه‌های محلی فارس منعکس می‌شد. بلدیۀ شیراز نیز عامل برف داشت. محمدحسن نامی که عنوان عامل برف شیراز را در سال ۱۳۰۶ش/۱۹۲۷م داشت، دربارهٔ این موضوع که بستنی‌فروش‌ها بنای خرید برف گذاشته‌اند و برف کمیاب خواهد شد، تذکر داد (استخر، ۱۷ مرداد ۱۳۰۶، ش ۱۷: ۳)؛ همچنین می‌بینیم که در سال ۱۳۱۳ش/۱۹۳۴م، باز از گرانی برف در اواخر ماه بهار سخن به میان است (پارس قدیم، ۱۷ مرداد ۱۳۰۶، ش ۱: ۵).

در اواخر سال ۱۳۰۶ش/۱۹۲۸م، در زمینۀ ورزش، اتفاق جالب توجهی در شیراز رخ داد و آن تأسیس رسمی کلوپ فوتبال شیراز در ۲۲ دی ۱۳۰۶/۱۳ ژانویه ۱۹۲۸ بود (جام‌جم، ۲۱ دی ۱۳۰۶، ش ۳۷۶: ۳). در سال ۱۳۰۳ش/۱۹۲۴م و به‌همت بازارگاد، اولین کلوپ فوتبالی منظم در شیراز تأسیس شد (بازارگاد، س ۱، ش ۲۳۵: ۶). در آن زمان هنوز فضای عمومی با این ورزش نوظهور در فارس چندان موافقت نداشت. بلدیۀ شیراز نیز توان این را نداشت که برای گسترش ورزش دست به اقدامی عملی، همچون ایجاد ورزشگاه‌ها، بزند. بلدیۀ وظایفی بسیار ضروری‌تر از

اعلام کرد به‌علت نبود آب شرب و تأکیدهای پی‌درپی صحنه در دفع کثافت‌های شهر، اقدامات فوری برای حفظ سلامتی چندین هزار شهروند ضرورت داشته است. بنابر نوشته وی، شورای ایالتی تأکید کرد که به‌موجب بند ج ماده ۲ از نظامنامه مصوبه هیئت دولت و با در نظر گرفتن مصالح عمومی، برای سرعت عمل، انجمن بلدی به‌طور موقت تعطیل شود. این قضیه را دولت تصویب کرد. در نتیجه این اقدام دولت، مالیه و نظمیۀ متوجه شدند که مقداری از بودجه بلدیۀ به مصارف خصوصی می‌رسیده است. پس‌از این اقدام، وضعیت شهر تغییر محسوسی کرد؛ به‌گونه‌ای که چراغ‌برق که متجاوز از یک سال تعطیل بود، دوباره دایر شد. باتوجه به نظرهای نمایندگان فارس و وزارت داخله، در ۲۱ شهریور به‌صورت کتبی، اعضای انجمن را دعوت کردند. آنان پس از تشکیل جلسه، انجمن را تعطیل کردند و برای مدت باقی‌مانده از دوره قانونی، کمیسیون مرکب از ۱۳ نفر از افراد خودشان برگزیدند که قائم‌مقام انجمن قانونی باشند. رئیس‌الوزراء نرم‌خو در ادامه خاطرنشان کرد حاضر است نظر اصلاحی خود را کنار گذارد و به حرف نماینده فارس عمل کند. در نهایت، به ایالت فارس دستور داده شد که رئیس بلدیۀ شیراز در کار خود ننگه دارد. وزارت داخله با لحنی کمتر آمرانه، دوباره تعطیلی انجمن بلدیۀ شیراز را غیرقانونی دانست و از ایالت فارس درخواست کرد که دوباره آن را تشکیل دهد؛ همچنین یادآوری کرد که در بودجه ۱۱۰ سپور و سقا و ۱۸۰۰ شعله منظور شده است که همگی باید به کار گرفته شوند (مختاری اصفهانی، ۱۳۸۰: ۲۲۵ تا ۲۲۷؛ همچنین ساکمش: ۱۷۶).

صرف‌نظر از اینکه آیا تعطیلی شورای بلدیۀ اقدامی قانونی و به‌حق بود یا نه، گزارش‌هایی که شیبانی، رئیس بلدیۀ شیراز دربارهٔ نظافت شهر در تابستان ۱۳۰۶ش/۱۹۲۷م منتشر کرده است، تا حدودی

تنها عرضه چای، قهوه، بستنی، شیر، شربت و امثال آن مجاز بود لازم بود بر قهوه‌خانه‌ها نظارت شود. بعدها با نظامنامه اماکن عمومی مصوب ۱۳۱۲ش/۱۹۳۳م و اصلاحیه سال ۱۳۱۵ش/۱۹۳۶م، نظارت بر قهوه‌خانه ادامه یافت؛ اما باین حال نباید به سادگی قضاوت کرد که تأثیر اجرای آنها بر اماکن عمومی فارس همچون قهوه‌خانه‌ها، هتل‌ها، مسافرخانه‌ها و... چگونه بوده است و این امر به بررسی‌های عمیق‌تری نیازمند است. در نظامنامه اماکن، از قهوه‌خانه و کافه و رستوران تعریف دقیقی شده است و آنچه در این مکان‌ها اجازه فروش داشت، به صورت دقیق معین شده است.

در نظامنامه قهوه‌خانه‌ها ویژگی‌هایی که هر قهوه‌خانه می‌بایست می‌داشت، ذکر شده بود. نظامنامه هرگونه نقاشی روی سقف و دیوار قهوه‌خانه را منع کرده بود و خاطر نشان کرده بود دیوار و سقف قهوه‌خانه‌ها باید سفید و بدون نقاشی باشد و سطح آن نیز از آجر مفروش شده باشد؛ همچنین در قهوه‌خانه وجود سکو و طاقچه جایز نبود و می‌بایست به قدر لزوم و گنجایش مکان، میزهای چهارنفری آهنی یا چوبی رنگ‌شده یا صندلی می‌گذاشتند. دو طرف در ورودی قهوه‌خانه می‌بایست گل‌گیر آهنی نصب می‌شد که واردشوندگان هنگام ورود کفش خود را پاک کنند. به‌کارگیری آبخوری سفالی به کلی ممنوع شده بود. نقالی، سخنوری و هرگونه تکدی‌گری در قهوه‌خانه ممنوع بود (ساکمف: ۱۳۰۲۶-۲۹۳-۹۸). شاید حکومت به این می‌اندیشید که قهوه‌خانه‌ها نباید نشانه‌ای از کهنگی در خود داشته باشند. به‌رحال در این نظامنامه و نظامنامه‌های مشابه، رعایت نکات بهداشتی نیز مدنظر قرار گرفته بود که شایان تقدیر است. الزام به وجود دودکش مناسب، الزام به تعویض سرقلیان‌ها، الزام به رعایت نکات بهداشتی و نظافت و همچنین لزوم پوشیدن روپوش سفید برای کارکنان

مسائل ورزشی داشت که می‌کوشید آن را به انجام برساند. در پاره‌ای مواقع، گسترش خیابان‌های شهر استفاده از نیروی قهریه را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. این اقدامات بلدیة ممکن بود که نارضایتی عده‌ای را موجب شود؛ همچنین ممکن بود که مالیات‌ها و عوارض بلدی به شکل تحمیلی جدید تلقی شود. نمونه‌های درخور توجهی شکایت از بلدیة به مجلس شورای ملی در منابع ثبت شده است؛ چون هنوز در نظر شماری از مردم، مجلس شورای ملی نگهبان آزادی و مشروطیت بود؛ برای نمونه در ۱۰دی/۱۳۰۷/۱۳امبر ۱۹۲۸م، فاطمه‌خانم افغان شکایت کرد که بلدیة قسمتی از ملک او را جزء خیابان کرده است پول آن را نپرداخته است (ساکمش: ۱۰۴۲۰-۰۲). یا انجمن زرتشتیان شیراز از طریق ارباب کیخسرو، نماینده آنها، به مجلس شورای ملی تلگرافی زد و از اقدام بلدیة شیراز در تخریب خانه اردشیر عدالت گله کرد (ساکمش: ۱۰۵)؛ همچنین در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۱۰/۵می ۱۹۳۱، عده‌ای از اهالی شیراز از مهندسان بلدیة شکایت کردند که در خیابان‌کشی جانب متنفذان را گرفته‌اند و در نقشه چهار خیابان، از جمله خیابان قصرالدشت که قرار بود از مرکز شهر عبور کند، تغییراتی به نفع متنفذان داده‌اند (ساکمش: ۰۲۰۶۰-۱۴).

در روزگار حکمرانی پهلوی اول، بازرسی غذاخوری‌های عمومی و قهوه‌خانه‌ها در کانون توجه قرار گرفت. دایرة بلدی اداره مرکز وزارت داخله نظامنامه دکان‌های طباحی و قهوه‌خانه را برای بلدیة‌های سراسر کشور فرستاد و برای اجرای آن پنج‌ماه ضرب‌الاجل داد (ساکمف: ۱۳۰۲۶-۲۹۳-۹۸). به‌نوشته روزنامه استخر، قهوه‌خانه‌های شیراز جایگاه کشیدن وافور و قصه‌خوانی و استعمال الکل بود (استخر، ۱دی ۱۳۰۸، ۶۷۶: ۲). از آنجایی که در قهوه‌خانه

میدان پهلوی تا کل مدبری به نام خیابان لطفعلی‌خان زند نامیده شد (استخر، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۰۹، ش ۷۲۴). برخی از این نام‌ها در زمان فعلی نیز وجود دارد.

ایجاد فرودگاه شیراز در سال ۱۳۰۸ش / ۱۹۲۹م و کارخانه برق در سال ۱۳۰۹ش / ۱۹۳۰م و کارخانه‌های ریسندگی و نساجی در سال ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ش / ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷م به تغییر چهره شهر انجامید. به منظور کمک مالی به بلدی‌ها، مجلس شورای ملی در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۹ش / ۲۰می ۱۹۳۰م، به انجمن‌های بلدی اجازه داد که برای تأمین مصارف بلدی خود در زمینه نظیف و تنویر و نیز تعمیرات و احتیاجات بهداشتی و معارفی بلدی و خواسته‌هایی ماند آن، عوارض محلی وضع کنند. انجمن بلدی از طریق رئیس خود عوارض مدنظر را به وزارت داخله پیشنهاد می‌کرد و پس از موافقت هیئت دولت، این موضوع اجرایی می‌شد (مختاری اصفهانی، ۱۳۸۰: ۸۶۵). بلدی شیراز برای پیشبرد برنامه‌های شهری خود، حداکثر استفاده را از این اختیار قانونی برد؛ اما زیاده‌روی در گرفتن این عوارض و سخت‌گیری درباره آن اسباب نارضایتی مردم را فراهم کرد. تحمیل عوارض بلدی بر تجارت پوست و سخت‌گیری درباره آن، شکایت تجار شیراز را در پی داشت؛ زیرا با دادن مالیات ذبایح و مالیات گمرکی، به صورت ۴ درصد اصل قیمت بابت صحنه کشور و مقداری هم برای فواید عامه، عوارض شهرداری فشاری مضاعف بر آنها بود (مختاری اصفهانی، ۱۳۸۰: ۵۶۶).

کاهش قیمت پوست و توقیف مقداری از این پوست‌ها به وسیله بلدی به منظور فشار آوردن بر تجار برای اخذ عوارض آن خشم تجار را برانگیخت. در واکنش به این قضیه، تجار خریدار و صادرکننده پوست از خرید پوست خودداری کردند نتیجه آن بود که برات‌هایی که به تجار نوشته می‌شد پرداخت نشد و

قهوه‌خانه از دیگر نکات مثبت در این نظامنامه است. بلدی وظیفه نظارت بر قهوه‌خانه‌ها را به عهده داشت (ساکمف: ۱۳۰۲۶-۲۹۳-۹۸).

در ۱۹ اسفند ۱۳۰۷ش / ۱۰مارس ۱۹۲۹م، شرکت برق سهامی عام شیراز با مسئولیت محدود تأسیس شد. همچنین به منظور جلوگیری از تعدی‌های صحراروها و رفاه عمومی، در ۱۶ خرداد ۱۳۰۸ / ۱۰مارس ۱۹۲۹م، خرید و فروش زغال آزاد شد و نظمی مأمور جلوگیری از مداخله صحراروها شد؛ همچنین دستور ساخت حمامی مناسب برای عموم مردم داده شد. این حمام را که به حمام صاحب معروف شد، رئیس صنف حمامی‌ها ساخت (خالصی، ۱۳۸۸: ۵۵ و ۵۴).

در سال ۱۳۰۸ش / ۱۹۲۹م و در زمان کفالت آقای معدلی بر بلدی شیراز، به نقشه‌برداری قسمت‌های شمالی شهر و ایجاد خیابان‌های ضروری با بهره‌گیری از مهندسان ثبت اسناد و فواید عامه تصمیم گرفته شد و لایحه تصویب اعتبار لازم برای خرید جاده کوب و آب‌پاش به انجمن بلدی تقدیم شد (جام‌جم، ۱۹ فروردین ۱۳۰۸، ش ۵: ۳). با وجود تمام اقدامات انجام‌شده، بنابر گزارش روزنامه اطلاعات، در سال ۱۳۰۹ش / ۱۹۳۰م شیراز به قبرستان و دخمه پریچ‌وخم می‌مانست که هنوز اثر چندانی از تنویر نداشت (کدیور، ۱۳۸۴: ۳۰۵).

در سال ۱۳۰۹ش / ۱۹۳۰م، در اثر مراقبت و جدیت سرهنگ سالار، متصدی امور بلدی، خیابان‌های اطراف شهر توسعه یافت و تعمیر شد؛ به طوری که درخور مقایسه با سابق نبود. در اطراف برخی از آنان درختکاری شد. برای این خیابان‌ها نام‌هایی برگزیده شد: خیابان دروازه باغشاه به خیابان زند، خیابان فرمان‌فرما به خیابان سعدی، خیابان محمودیه به خیابان شاه، خیابان سرتیپ محمدحسین میرزا به خیابان شاهپور و خیابان عدلیه که تازه احداث شده بود از

بود که بعدها اختیار جمع‌آوری آن از بلدیۀ گرفته شد و به مالیه سپرده شد. بلدیۀها ناچار شدند آنچه از مالیه دریافت می‌کردند و عواید شهری خود را با ریز قبوض برای مالیه ارسال کنند. مخارج هم می‌بایست در حدود بودجه‌های ابلاغی، طبق اسناد خرج اثبات‌کننده ذکر می‌شد (ساکمف: ۲۶۷۷-۲۹۳-۹۸).

رفتار نادرست مأموران بلدیۀ که گاه با عناوین متفاوت از صنوف مختلف اخاذی می‌کردند، مسئله دیگری بود که در این تصمیم اثر گذاشت. البته به علت ناکافی بودن حقوق پرداختی و ضعف نظارت، این سوءاستفاده‌ها کم‌وبیش در تمام دورۀ پهلوی اول وجود داشت؛ برای مثال در تاریخ ۱۰ شهریور ۱۳۱۶ش/ ۱ سپتامبر ۱۹۳۷م، سیداحمد پوست‌فروش از هفت نفر کارمند بلدیۀ شیراز به مجلس شورای ملی شکایت کرد. وی ادعا کرد که این کارمندان بدون اطلاع بلدیۀ، از وی و صنف قصاب اخاذی می‌کنند (ساکمف: ۱۳۳۲۸-۰۲).

ناکامی بلدیۀ در تأمین روشنایی شهر داستانی دامنۀ دار بود. این ناتوانی علت فنی نداشت و کارخانۀ برق که در سال ۱۳۰۸ش/ ۱۹۲۹م تأسیس شده بود، به میزان کافی برق تولید می‌کرد. از سند مورخ ۲۵ دی ۱۳۱۰ش/ ۱۶ ژانویه ۱۹۳۲م، برمی‌آید که در ماه رمضان سال ۱۳۱۰ش/ ۱۹۳۲م، چراغ‌های برق تنها تا ساعت هفت شب روشن بود؛ درحالی‌که در نظامنامۀ کمپانی سهامی شرکت برق تصریح شده بود که در ماه رمضان چراغ‌ها باید تا صبح روشن باشند (ساکم: ۳۳۰۵۹-۲۹۳). رزم‌آرا در جغرافیای نظامی فارس اشاره می‌کند که کارخانۀ برق فارس، در مقایسه با کارخانه‌های بسیاری از شهرستان‌های دیگر، بهتر و منظم‌تر بود و در اثر اضافه‌داشتن قوۀ برق، در سال ۱۳۱۴ش/ ۱۹۳۵م، یک نخریسی شش‌هزار دوکی وارد کرد (رزم‌آرا، ۱۳۲۳: ۴۵). کارخانه مشتری کافی نداشت

درنهایت، عوارض بلدی بر پوست بره و حیوانات غیراهلی موقوف شد (مختاری اصفهانی، ۱۳۸۰: ۸۵۸ و ۸۵۹). از برخی اسناد برمی‌آید که این عوارض محلی در سال ۱۳۰۹ و ۱۳۱۰ش/ ۱۹۳۰ و ۱۹۳۱م برداشته شد و منابع مالی بلدیۀها از محل صرفه‌جویی‌ها تأمین شد (ساکمف: ۱۲۳۹-۲۹۳-۹۸). در تاریخ ۹ فروردین ۱۳۱۱ش/ ۲۹ مارس ۱۹۳۲م، اداره مالیه ایالتی فارس به مالیه‌های مناطق تابع خبر داد که چون قانون عایدات عواید مستغلات، نمایش و بلدی را به بلدیۀها اختصاص داده است، آنچه از این مقدار به خزانه‌داری کل ارسال کرده بود، به آنها عودت داده است. به این ترتیب، تاحدودی بر عایدات بلدیۀها افزوده شد (ساکمف: ۶۷۵۶-۲۹۳).

از گزارش عایدات و مخارج بلدیۀ در ۲۵ اسفند ۱۳۱۰ش (۱۶ مارس ۱۹۳۲م)، انواع عایدات بلدی وضع شده توسط بلدیۀ شیراز مشخص می‌شود. در این سال عایدات خبازی، رسومات، املاک مسکونی، اصناف، گاراژ، پوست، برق، فروش اراضی، دریافتی از مالیه و نمونه‌های متفرقه منابع عایدات بلدیۀ شیراز را تشکیل می‌دادند. دو نمونۀ اول بیشترین سهم را در درآمد بلدیۀ داشتند. بیشترین مخارج بلدیۀ در امور همچون روشنایی، مخارج ساخت‌وسازها، نظیف و حقوق کارمندان بود. با نگاهی به این گزارش درمی‌یابیم که نمونۀهای نامبرده بیش از هشتاد درصد هزینه‌های بلدیۀ شیراز را تشکیل می‌داد (ساکم: ۳۳۰۵۹-۲۹۳).

با القا مالیات پوست که پیش‌ازاین ذکر آن رفت، درآمد بلدیۀ شیراز کاهش یافت. کمی درآمد به جز القا احساس ناکارآمدی و ناتوانی بلدیۀ، اثر مستقیمی بر زندگی کارمندانی گذاشت که با مشکلات معیشتی مواجه بودند. به احتمال به علت همین مشکلات مالی ایجادشده در جمع‌آوری عوارض و مالیات‌های محلی

با وجود مشکلات مالی واضح، معلوم نیست به چه علت وقتی در سال ۱۳۱۴ش/۱۹۳۵م صحبت از ترویج کلاه شاپو به میان آمد نظامیان این ایده را مطرح کردند که شهرداری از بودجه خود برای اقشار نیازمند کلاه تهیه کند؟! پیشنهادی که به علت نبود اعتبار اجرایشدنی نبود و رد شد (ساکمف: ۱۲۳۹-۲۹۳-۹۸).

در واپسین سال‌های حکومت پهلوی اول، هنوز بلدی‌های فارس موفق نشده بودند که برخی از مشکلات اساسی خود را حل کنند؛ هرچند حرکت خزنده‌ای به طرف جلو داشتند. سیف‌پور فاطمی که در آخرین سال‌های سلطنت رضاشاه به شهرداری شیراز سپس استانداری فارس رسید، دربارهٔ اوضاع شهرداری شیراز می‌نویسد: «بودجه سال ۱۳۱۸ [۱۹۳۹م] تعیین نشده بود. تمام کارهای عمرانی و ساختمانی متوقف بود. حتی هزینه آبیاری باغ‌های شهرداری را نپرداخته بودند. حقوق سپورها یک ماه عقب مانده بود. شهرداری بودجه کافی نداشت تا حقوق اعضا را بپردازد» (سیف‌پور فاطمی، ۱۳۷۹: ۱۵). وی برنامه‌ای سه‌ساله تهیه کرد و مهم‌ترین اهدافی که در این برنامه سه‌ساله مدنظر بود عبارت بودند از: ساخت بیمارستانی صد تختخواب؛ اتمام آرامگاه حافظ؛ ساختمان باغ حافظیه؛ اتمام خیابان لطفعلی‌خان زند؛ ادامه‌دادن خیابان زند به مسجد بردی و آخر شهر؛ ساختمان عمارت شهرداری؛ احداث خیابان‌های دور شهر تا دروازه کازرون؛ آسفالت خیابان‌های اطراف شهر؛ درختکاری خیابان‌ها و احداث آرامگاه سعدی (سیف‌پور فاطمی، ۱۳۷۹: ۱۷).

خیابان‌های شهر به سرعت کشیده شد و ساخت بیمارستان نیز به بهای ۱۵۰ هزار تومان به مقاطعه داده شد. باتوجه به اینکه بودجه شهرداری شیراز ۲۵۰ هزار تومان بود [در کتاب دیگرش، آینه عبرت، این مبلغ را ۱۶۰ هزار تومان ذکر کرده است؟! (سیف‌پور فاطمی،

و بلدی‌ه شیراز مهم‌ترین مشتری برق به شمار می‌رفت. این مشکل هرگز به شکل زیربنایی حل نشد و بار دیگر در سال ۱۳۲۰ش/۱۹۴۱م، روشنایی به برجسته‌ترین مشکل شهر تبدیل شد (خالصی، ۱۳۸۸: ۶۹).

ذکر ناکامی بلدی‌ه در فراهم کردن فضای مناسب شهری نباید نمایشی از بی‌اهمیتی اقدامات آن باشد. بلدی‌ه در بسیاری از کارها فقط مجری دستورات مقامات مرکز نشین خود بود؛ اما به تدریج برخی تغییرات مهم و لازم در فارس عملی شدند. در ۲۸ تیر ۱۳۱۴ش/۲۰ جولای ۱۹۳۵م، ایالت فارس نسخه‌ای از نظامنامهٔ صحی طویله گاوداری را که وزارت داخله فرستاده بود، به بلدی‌ه شیراز ابلاغ کرد (ساکمف: ۱۲۱۶۴-۲۹۳-۹۸). شاید این امر در نگاه اول امری بی‌اهمیت به نظر آید؛ زیرا امروزه کسی در خانهٔ خود گاو و گوسفند نگهداری نمی‌کند؛ اما در دوران پهلوی اول اوضاع به گونه‌ای دیگر بود. شهرداری شیراز برای رعایت نکات بهداشتی کوشید که گله‌داران را به خارج کردن دام‌های خود از شهر وادار کند. فضای سنتی شهر باعث شد که در برابر اقدام شهرداری مقاومت‌هایی صورت گیرد (ساکمف: ۱۲۱۶۴-۲۹۳-۹۸). در نهایت، عده‌ای از صاحبان احشام گوسفندان خود را به خارج از شهر منتقل کردند و برخی هم به علت نداشتن توان مالی موفق به این کار نشدند (ساکمف: ۱۲۱۶۴-۲۹۳-۹۸). با وجود این، مشکل به طور کلی حل نشد و نمونه‌هایی از نگهداری دام‌ها در شهر همچنان وجود داشت؛ به طوری که در تاریخ ۱۸ تیر ۱۳۱۸ش/۱۰ جولای ۱۹۳۹م باز شاهدیم که بلدی‌ه از افراد تعهد گرفت که محلی برای گله و گوسفند خود تعیین کنند (ساکمف: ۱۲۱۶۴-۲۹۳-۹۸). به طور یقین، این برخوردها به نحو مؤثری نگهداری دام در منازل و فضای شهری را کاهش داد و به بهبود سلامتی عمومی در شیراز کمک شایانی کرد.

و خواروبار، در صورت کسر سهم بازنشستگی، آنان عطای خدمت در شهرداری را به لقایش ببخشند و برای کارگری یا هر نوع کار روزمزد دیگر به جاهای دیگر بروند (ساکمف: ۱۴۴۹۵-۲۹۳-۹۸). در مورد این بخشنامه مکتوبی نوشت و معاف شدن این افراد را از پرداخت سهم بازنشستگی خواستار شد. کارمندان جز شهرداری از قبیل سرفرتگر، رفتگر، سقا، گاریچی، مهتر، آبیاری، باغبان و غیره روزمزد بوده و دستمزدشان بدون هیچ گونه کسری پرداخت می شد.

در تاریخ ۲۷ بهمن ۱۳۱۹/۶ فوریه ۱۹۴۱م، شهرداری شیراز به استاندار هفتم، درباره این بخشنامه مکتوبی نوشت و معاف شدن این افراد را از پرداخت سهم بازنشستگی خواستار شد: کارمندان جز شهرداری از قبیل سرفرتگر، رفتگر، سقا، گاریچی، مهتر، آبیاری، باغبان و غیره روزمزد بودند و دستمزدشان بدون هیچ گونه کسری پرداخت می شد. اشخاصی که حاضر به اشتغال در این مشاغل می شدند کسانی بودند که در نهایت تهیدستی و بی چارگی و پریشانی گذران زندگی می کردند و به نوشته شهردار شیراز، تنها برای امرارمعاش روزانه خود تن به این گونه مشاغل داده بودند. تصور غالب بر این بود که این دسته مردم قدرت و استطاعت آن را ندارند که یک ماه از حقوقشان کسر شود و پس از آن هم ماهیانه مبلغی را به نام کسر بازنشستگی تحمل کنند. فقر و تنگدستی این طبقه از خدمتگزاران به حدی بود که هنگامی که می خواستند در شهرداری استخدام شوند، برای تهیه عکس و رونوشت شناسنامه و غیره، اثاثیه ضروری منزلشان را به ناچار می فروختند. مدتی پیش از این بخشنامه، وقتی باشگاه هواپیمایی کشور تشکیل شد و برای تأمین اعتبار آن از حقوق این افراد وجهی در قالب حق کارمندی باشگاه کسر شد که ده ریال در سال بود، عده ای خدمت شهرداری را ترک کردند و به عملگی مشغول شدند (ساکمف: ۱۴۴۹۵-۲۹۳-۹۸).

۱۳۷۸: ۱۰۰۲)، ساخت بیمارستان با تکیه بر بودجه شهرداری غیرممکن بود و احداث آن با گرفتن قرضه از بانک و کمک اشخاصی همچون عبدالحسین دهقان که زمین احداث بیمارستان را با قیمتی بسیار مناسب به شهرداری واگذار کرد و مساعدت وزیر کشور ممکن شد. سیف پور زمانی که گزارش اقدامات خود را به حکمت، وزیر معارف وقت، می داد به اتمام آرامگاه حافظ، پایان یافتن خیابان لطفعلی خان زند، امتداد خیابان مسجد بردی تا میدان جلو باغ نوایی، درختکاری خیابان های زند و لطفعلی خان زند و مسجد بردی و نادر، نصب تیرهای چراغ برق در وسط خیابان زند و اتمام سیم کشی سایر خیابان ها، ادامه آسفالت پیاده روهای خیابان های شهر، گسترش پرورشگاه یتیمان، احداث گداخانه برای فقرا و بی خانمان های شهر و ادامه کار بیمارستان صد تخت خوابی اشاره کرد (سیف پور فاطمی، ۱۳۷۹: ۷۶). با این حساب، او باید به عملی کردن بیشتر برنامه های خود موفق شده باشد. وی مدعی بود شیراز تنها شهری بود که در زمان حمله متفقین در سال ۱۳۲۰ش/۱۹۴۱م و کشیده شدن جنگ جهانی دوم به ایران دچار کمی نان و شورش مردم نشد (سیف پور فاطمی، ۱۳۷۹: ۱۱۸).

تمام مدت مسئولیت سیف پور در دوران پهلوی اول واقع نشد و او تا مدتی پس از سقوط رضاشاه، در فارس عهده دار مسئولیت بود. اسناد باقی مانده از زمان او نشان می دهد که مستخدمان جزء شهرداری اوضاع تأسف باری داشتند. در سال ۱۳۱۹ش/۱۹۴۰م، بخشنامه ای به شهرداری رسید که در آن استنباط می شد مستخدمان روزمزد در زمره کارمندان جزء شمرده شده اند و مشمول پرداخت کسور بازنشستگی شده اند. بازنشستگی از خدمت امری پسندیده و به جای خود بسیار خوب بود؛ اما بیم آن می رفت که به علت پرداخت ناچیز حقوق به این افراد و قیمت گزاف ارزاق

باتوجه با این نامه، وزارت کشور تأکید کرد که این افراد را کماکان باید به صورت روزمزد به کار گرفت و آنها مشمول پرداخت کسور بازنشستگی نیستند.

مؤلفی ناشناخته به احتمال پس از پایان حکومت رضاشاه یا حداقل در سال‌های پایانی حکومت او، گزارشی در زمینه وضعیت شیراز نوشته است که تاحدی برای قضاوت درباره اقدامات بلدییه یا همان شهرداری شیراز مفید است. وی اشاره کرده است که در شیراز به واسطه قدیمی بودن شهر، خیابان‌های وسیع وجود نداشت و تنها در اطراف شهر، به خصوص قسمت غربی و شمالی آن که شهر جدید را تشکیل می‌داد، خیابان‌های خوبی ساخته شده بود که خیابان زند به عرض ۵۴ متر وسیع‌ترین خیابان شهر بود. در شهر چهار میهمان‌خانه سعدی، پارس، نوبهار و مرکزی وجود داشت؛ همچنین بیمارستان‌های مرسلین، نمازی و امید را از مراکز درمانی شیراز دانسته است (ناشناخته، ۱۳۹۰: ۱۲۱۱، ۱۲۱۶، ۱۲۱۸).

نتیجه

در دوران پهلوی اول، فعالیت بلدییه به لحاظ کمی و کیفی گسترش درخور توجهی یافت. در دوره پهلوی اول، برای فعالیت بلدییه‌ها نظامنامه تهیه شد. اولین قانون بلدییه در سال ۱۲۸۶ش/۱۹۰۸م به تصویب رسید؛ اما بلدییه شیراز از دوران پهلوی اول به بعد شکل سازمان درستی به خود گرفت. البته ناکامی‌های بلدییه در دوران پیش از پهلوی اول به قانون و مقررات مربوط نبود؛ بلکه ناتوانی حکومت قاجار باعث می‌شد که منابع مالی لازم برای گسترش بلدییه‌ها تأمین نشود. با روی کار آمدن پهلوی اول، دولت نقش مسلطی در بلدییه‌ها پیدا کرد. پیش از این تاریخ، بلدییه شیراز نامی بی‌مسما بود که کوچک‌ترین انتظارات عمومی را هم

به سختی فراهم می‌کرد. با تصویب نظامنامه بلدییه در سال ۱۳۰۹ش/۱۹۳۰م، تأمین منابع مالی برای بلدییه‌ها راحت‌تر شد. پیش از دوران پهلوی اول، بلدییه به زحمت می‌توانست یکی از وظایف خود را در زمینه پاکیزگی شهر عملی کند؛ اما در دوره پهلوی اول، عملکرد خود را روزبه‌روز بهبود بخشید و وظایف بیشتری را عهده‌دار شد. مسلم است که هیچ معجزه‌ای در کار نبود. از آنجایی که به بلدییه‌ها اختیار وضع مالیات و عوارض به منظور تأمین منابع مالی مورد نیازشان داده شده بود، طبیعی بود که بلدییه شیراز هم از این فرصت به خوبی استفاده کند و کارهایی را انجام دهد که تا پیش از وضع این عوارض انجام آن غیرممکن بود. با کمک منابع مالی جدید، خیابان‌های شهر هموار شد و بر عرضشان افزوده شد؛ همچنین در مواقع ضروری پست‌های آبله‌کوبی در نقاط مختلف شهر دایر شد، بر بهداشت اصناف نظارت شد، خدمات بهداشت شهری توسعه یافت، برای مبارزه با مالاریا و هاری اقدامات مفیدی انجام گرفت و ...

دسته‌ای از مشکلات کامیابی‌های بلدییه را در رسیدن به اهدافش محدود می‌کرد. دسته نخست این موانع به کم شدن همدلی و همکاری مردم با بلدییه مربوط بود. بی‌تردید مردم به حل مسائل و مشکلات محلی که در زندگی آنان تأثیر مستقیم داشت علاقه بسیاری داشتند. آنان بسیار علاقه‌مند بودند که از طریق انجمن بلدییه، رأی و نظر خود را در مقدرات محلی تأثیر دهند. در دوران پهلوی اول، نقش مردم در انتخاب شهردار و تصمیمات مهم شهری به حداقل رسید. در سال ۱۳۰۹ش/۱۹۳۰م و با تصویب نظامنامه جدید بلدییه، قدرت اعضای انجمن کاهش بسیاری محسوس داشت. پیش از آن، انجمن بلدییه اختیارات تاحدودی چشمگیری داشت و ریاست بلدییه برعهده رئیس انجمن بود که با

بدون توجه کافی به فشاری که به پردازندگان این مالیات‌ها وارد می‌شد، وضع این عوارض و مالیات‌ها نارضایتی و مقاومت در مقابل اقدامات بلدیة را باعث شد. به‌علت این نارضایتی‌ها و هم به‌علت سیاست دولت در کنترل هرچه بیشتر بلدیة‌ها، اختیار جمع‌آوری مالیات‌های شهری از بلدیة گرفته شد و به مالیه سپرده شد. بلدیة شیراز به‌شدت با نظارت مالیه بر مخارج خود مخالف بود، به‌خصوص که قانون هم به‌نفع بلدیة حکم داده بود؛ اما نظارت مالیه بر بلدیة به تدریج تثبیت شد. بلدیة می‌بایست بودجه تصویب‌شده انجمن را به تأیید مالیه فارس می‌رساند تا اجازه پرداخت صادر شود. به‌طور معمول این روند به‌کندی پیش می‌رفت و دست بلدیة را در اقدام به‌موقع می‌بست. به‌علت کمبود منابع مالی، بلدیة کادر اداری مختصری داشت و با کارمندانی اندک فعالیت می‌کرد. در دورۀ پهلوی اول، بلدیة شیراز روند تکاملی خود را طی می‌کرد. در اواخر دورۀ پهلوی اول، شهرداری بسیار توانمندتر از بلدیة شهر در نخستین سال‌های حکومت رضاشاه بود؛ به‌طوری‌که با احداث خیابان‌های جدید و درختکاری آنها، تعریض خیابان‌ها پیشین و ایجاد باغ‌های ملی وسعت شهر شیراز به‌طور تقریبی به دو برابر افزایش یافت. همچنین در سال ۱۳۰۸ش، شیراز صاحب فرودگاه شد، در سال ۱۳۰۹ش کارخانه برق احداث شد و در سال ۱۳۱۵ش کارخانه ریسندگی و سال بعد کارخانه نساجی به بهره‌برداری رسید و با احداث این مراکز چهره شیراز دگرگون شد.

به‌طور مسلم، مقامات بلدیة در انجام اصلاحات، ابتکار چندانی از خود نداشتند بلکه چشم‌به‌راه دستوراتی بودند که بخشنامه‌ها و متحدال‌مال‌ها به آنها ابلاغ می‌کردند؛ اما دستورات ابلاغی وزارت کشور حیطه تعهداتی را که شهرداری انجام می‌داد، گسترش داد. وظایف بلدیة (شهرداری) دیگر به پاکیزه‌کردن شهر

اکثریت اعضاء انجمن برگزیده می‌شد؛ اما اکنون نه‌تنها حق انتخاب شهردار را نداشتند، بلکه در مقایسه با مقام‌های محلی، همچون رئیس بلدیة و حاکم، موضع دست پایین پیدا کردند. به‌نظر می‌رسد دولت می‌خواست که انجمن بلدیة نیرویی کمکی برای اجرای طرح‌های شهری باشد و رسیدن به هدف را آسان کند؛ نه اینکه با اظهارنظرها و شاید اشکال‌تراشی‌های خود، برای دولت و مقام‌های محلی مشکل‌ساز باشد.

دسته دوم به مشکلات داخلی بلدیة از قبیل گستردگی وظایف بلدیة‌ها، دودستگی و اختلاف اعضاء انجمن بلدیة، حاکم یا والی (جمله ناقص به نظر می‌رسد. اختلاف اعضا با حاکم یا والی؟) و فساد و بی‌کفایتی مسئولان متولی شهرداری مربوط بود. باین‌حال، در مقابل معضل کمبود شدید منابع مالی، تمام مشکلات کوچک به نظر می‌آمدند. در دوران پهلوی اول، به‌منظور حل مشکل مالی، راه‌حلی در نظر گرفته شد. مهم‌ترین راه‌حل وضع عوارض و مالیات به‌نفع شهرداری بود؛ اما حتی با این راه‌حل نیز سومین و مهم‌ترین مشکل، یعنی مشکل مالی، حل نشد. در ارزیابی کلی باید گفت که موفقیت‌های بلدیة در مقایسه با دوران قبل از آن درخور تقدیر است؛ اما در برابر نیاز کرسی ولایت فارس، این کامیابی‌ها کافی نبود. مشکل تنویر شهر مانند سابق در رده نخستین مشکلات شهر باقی ماند، وجود تعداد کم پزشکان انجام خدمات صحتی بلدی را مشکل می‌کرد، هنوز هم وضعیت ارزاق عمومی با وضع مناسب فاصله داشت و ...

در مقایسه با دوران قاجار درآمد بلدیة رشد نمایی کرد؛ اما قانون وظایف گسترده‌ای برعهده بلدیة نهاده بود که برآورده کردن حداقلی آن منابع مالی عظیم‌تری را می‌طلبید. به تبعیت از افزایش یا کاهش منابع مالی، فعالیت‌های بلدیة دچار نوسان بود. بلدیة شیراز به‌دنبال افزایش درآمد از طریق وضع عوارض محلی بود؛ اما

ج. کتاب

- . حسینی فسائی، میرزا حسن، (۱۳۸۲)، فارسنامه ناصری، مصحح منصور رستگار فسایی، ج ۱، چ ۳، تهران: امیرکبیر.
- . خالصی، محمدرضا، (۱۳۸۸)، از بلدیة تا شهرداری تاریخ صدساله شهرداری شیراز از ۱۲۸۶ تا ۱۳۸۶ خورشیدی، چ ۲، شیراز: شهرداری شیراز.
- . راوندی، مرتضی، (۱۳۷۸)، تاریخ اجتماعی ایران، بخش ۱، ج ۴، تهران: نگاه.
- . رئیسی، اکبر، (۱۳۸۸)، گذری بر روند تحولات و تشکیلات شهرداری شیراز از احتسابیه تاکنون، شیراز: شهرداری شیراز.
- . رزم‌آرا، علی، (۱۳۲۳)، جغرافیای نظامی ایران: فارس، تهران: ارتش.
- . سیف‌پور فاطمی، نصرالله، (۱۳۷۸)، آئینه عبرت؛ خاطرات دکتر سیف‌پور فاطمی، به کوشش علی دهباشی، تهران: سخن و شهاب ثاقب.
- . -----، (۱۳۷۹)، گزند روزگار؛ خاطراتی از تحولات فارس در آستانه جنگ دوم جهانی مجلس چهاردهم و بحران آذربایجان ۱۳۱۷-۱۳۲۵، تهران: شیرازه.
- . کدیور، منوچهر، (۱۳۸۴)، دفتر ایام حاج غلامحسین کدیور فسایی ۱۲۵۸-۱۳۲۲، تهران: کویر.
- . محبوبی اردکانی، حسین، (۲۵۳۷)، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- . -----، (۱۳۶۸)، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۳، تهران: دانشگاه تهران.
- . مستوفی، عبدالله، (۱۳۸۴)، شرح زندگانی من، ج ۳، چ ۵، تهران: زوار.
- . مؤلف ناشناخته، (۱۳۹۰)، وضعیت شیراز که برای

و احداث و تعمیر خیابان‌ها و پل‌ها و جدول‌ها محدود نمی‌شد. شهرداری با ازین‌بردن سگ‌های ولگرد، خشکاندن آب‌های باتلاقی که مولد پشه مالاریا بود، مبارزه با فروش خودسرانه دارو و همچنین نظارت بر اصناف در ارتقاء بهداشت عمومی گام‌های مهمی برداشت. بر مرده‌شوخانه‌ها و کشتارگاه‌ها نظارت شد و با کشتار پراکنده دام در مناطق مختلف مقابله شد. همچنین به‌منظور جلوگیری از انتقال بیماری‌های دامی به انسان، دامپزشکان دام‌ها را پیش از کشتار معاینه می‌کردند. همچنین شهرداری موفق شد چهره قدیمی شیراز را که به چهار محله قدیمی با کوچه‌ها و معابر تنگ و خاکی محدود بود، تاحدی تغییر دهد.

کتابنامه

الف. اسناد منتشر نشده

- . اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکم): ۳۳۰۵۹-۲۹۳، ۳۳۰۵۹-۲۹۳.
- . اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ساکمش): ۰۲-۰۴۹۸۰، ۰۲-۱۰۴۲۰، ۰۲-۰۹۷، ۱۷۶، ۱۳۳۲۸.
- . اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی واحد فارس (ساکمف): ۹۸-۲۹۳-۵۱۰۶، ۹۸-۲۹۳-۱۳۰۲۶، ۹۸-۲۹۳-۱۳۰۲۶، ۹۸-۲۹۳-۲۶۸۸، ۹۸-۲۹۳-۱۲۱۶۴، ۹۸-۲۹۳-۱۳۰۳۰، ۹۸-۲۹۳-۲۶۷۷، ۹۸-۲۹۳-۱۲۱۶۴، ۹۸-۲۹۳-۱۲۱۶۴، ۹۸-۲۹۳-۱۲۱۶۴، ۰۲-۰۴۹۸۰، ۰۲-۱۰۴۲۰، ۰۲-۰۹۷، ۰۲-۱۳۳۲۸، ۱۷۶.

ب. اسناد منتشر شده

- . مختاری اصفهانی، رضا، (۱۳۸۰)، اسنادی از انجمن‌های بلدی، تجار و اصناف (۱۳۲۰-۱۳۰۰ هـ. ش)، به کوشش رضا مختاری اصفهانی. ج ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

درج در راهنمای ایران تهیه شده، به کوشش محمدصادق میرزا ابوالقاسمی و دکتر محمود طاووسی، پیام بهارستان، دوره دوم، س ۴، ش ۱۴.
. نیل قاز، مریم، (تابستان ۱۳۸۸)، وظایف بلدیة طهران، پیام بهارستان، دوره دوم، س ۴، ص ۱۰۵ تا ۱۰۴.

د. روزنامه

. استخر، محمدحسن بواناتی. محل نشر شیراز، مدیرمسئول معدلت. ۱۳۴۲ق، ش ۳۲-۴۴-۷۴۶؛
۱۳۰۴ش، ش ۸؛ ۱۳۰۵ش، ش ۷؛ ۱۳۰۶ش، ش ۱۷؛
۱۳۰۸ش، ش ۶۷۶.
. جام جم، علیرضا روستائیان و رهبر شیرازی. محل نشر شیراز، مدیرمسئول رهبر شیرازی. ۱۳۴۲ق، ش ۱۰-
۱۵-۳۱-۳۲-۳۷-۴۳-۴۴؛ ۱۳۰۵ش، ش ۱۱۷؛
۱۳۰۶ش، ش ۳۷۶.
. گلستان، ملکالمحققین تقوی، (سیدمحمدتقی گلستان)، محل نشر شیراز، س ۳، ش ۱۷-۲۴-۲۶.
. بیان حقیقت، حسن دیانت. محل نشر شیراز، مدیرمسئول ح دیانت. س ۲، ۱۳۰۴ش، ش ۱۵-۱۶-۲۵.
. پارس قدیم، مدیرمسئول محمدحسین مجاهد، محل نشر تهران، ۱۳۱۳ش، ش ۱.
. بازارگاد، بهالدین حسامزاده، محل نشر شیراز، ۱۳۰۳ش، ش ۲۳۵.